

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

تاکتیک های جنگ نامنظم در خلیج فارس

نویسنده :

سید شاهد مومنی

www.ParsBook.org

تنظیم و انتشار در کتابخانه الکترونیکی پارس بوک

بهمن ماه - ۱۳۹۰

چکیده

جنگ های نامنظم معمولاً از قوانین و اصول جنگ های کلاسیک و شناخته شده پیروی نمی کنند و شامل یک سلسله عملیاتهای نظامی و شبه نظامی می شود که در سرزمین و یا در مناطق تحت اشغال و کنترل دشمن و عمدتاً در نقاط و اماکن حساس و ویژه به منظور خرابکاری و انهدام امکانات و تجهیزات و از بین بردن نفرات دشمن با ضربه زدن و تخریب روحیه دشمن و براندازی به مورد اجرا گذاشته می شود. لذا با توجه به اینکه در جنگ های نامنظم نابرابری زیاد در تجهیزات نظامی و تکنولوژی و قدرت رزمی از نظر تسلیحات و نیروی رزمی بین دو نیروی متخاصم و درگیر وجود دارد، عناصری مانند: (شناخت و اطلاعات کامل از منطقه نبرد، انتخاب زمان مناسب، خلاقیت و نوآوری در تاکتیک و تکنیک، پیش دستی و حفظ ابتکار عمل، رعایت اصل غافلگیری، چابکی و چالاکی، تحرک و سیالیت، هدایت و رهبری در صحنه نبرد، اجرای عملیات با واحدهای کوچک و با تحرک بالا، استفاده از عوامل طبیعی و محلی، استفاده و بهره گیری از طرح پوشش و...) در موفقیت گروههای نامنظم و چریکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد.

مقدمه

خلیج فارس از نظر استراتژیکی دارای موقعیت ممتاز و اهمیت فوق العاده‌ای بوده و بعلت واقع شدن در مسیر راههای دریایی هند و دریای سرخ و اتصال آن به سواحل ایران و بین النهرین و عربستان از گذشته بسیار دور مورد توجه و محل رفت و آمد ملل دریا نورد و تجارت پیشه شرق و غرب دنیا بوده است. از اوایل قرن بیستم بلحاظ کشف و استخراج منابع نفت در فلات قاره و سرزمینهای مجاور آن علاوه بر نقشی که از لحاظ نظامی داشته در استراتژی جهانی نیز نقشی مضاعف و تعیین کننده پیدا کرد. پیوستگی خلیج فارس و دریای عمان و پیشرفت تکنولوژی و تغییر استراتژیها موجب گردید که این دو گذرگاه آبی در حکم یک منطقه مهم عملیاتی وارد استراتژیهای جهان شود تا جایی که بدون حفظ امنیت خلیج فارس و دریای عمان امکان اجرای استراتژیهای بری و بحری به هر شکل غیر ممکن می نمود و کشور ایران با داشتن بیشترین طول سواحل در این دو آبپله نقش تعیین کننده ای را در برقراری ثبات سیاسی و امنیت منطقه دارد. اینجاست که ضرورت وجود یک نیروی دریایی قدرتمند و مجهز به سلاح ایمن و ابزار جنگی لازم و درعین حال سیال و پر تحرک بیش از پیش احساس می شود. حال اگر کشور ما از لحاظ قدرت دریایی به مرحله ای نرسد که بتواند از تمامیت ارضی خلیج فارس و دریای عمان و آبراه مهم و استراتژیک تنگه هرمز حفاظت و حراست نماید باعث می شود که نیروهای بیگانه با همکاری کشورهای وابسته منطقه ای بر این آبراه مهم و حیاتی تسلط یافته و کشور ما را در تنگنا و محاصره قرار دهند. موقعیت خلیج فارس طوری است که بعد از جنگ جهانی اول همیشه قدرتهای شرق و غرب به هر شکل ممکن منابع طبیعی و ثروتهای خدادادی این منطقه و سرزمینهای مجاور آنرا به غارت برده اند. در همین رابطه شرقیها از یک استراتژی آرام و بی سرو صدا استفاده کرده و منتظر می مانند که منطقه نا آرام شود و در همان لحظه به تلاشهای آرام خود می افزایند و بهره می گیرند غربیها و در راس آنها آمریکا نیز همیشه با سروصدا و ایجاد ناامنی و برهم زدن سیستمهای حکومتی و بهره گیری از ضعف حکام منطقه به بهانه ایجاد امنیت در منطقه و آبهای بین المللی و تظاهر به تلاش برای ایجاد امنیت منطقه حضور نامشروع خود را توجیه نموده و به غارت ثروت های کشورهای منطقه ادامه می دهند. با توجه به ضعف و وابستگی حکام کشورهای منطقه به آمریکا و غرب و تلاش آنها برای ایجاد تنش و ترساندن آنها مبنی بر اینکه ایران یک تهدید برای کشورهای منطقه است، پروژه ایران هراسی را در دستور کار خود قرار داده اند و به بهانه حمایت از آنها به حضور نامشروع خود ادامه می دهند. لذا به نظر می رسد علاوه بر افزایش فعالیت های سیاسی و دیپلماتیک و ارتقاء سطح روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس و تلاش برای حفظ آرامش در منطقه توسط نیروهای بومی و منطقه ای، بیش از پیش نیاز به یک نیروی دریایی قدرتمند و متناسب با نبرد نامتقارن و درعین حال تاثیر گذار احساس می شود که بتواند ضمن تامین امنیت و حراست از مرزهای آبی و منافع جمهوری اسلامی ایران به حضور نامشروع نیروهای بیگانه نیز پایان دهد.

فصل اول

اصول و تعاریف

۱. تعریف جنگ های نامنظم
۲. اصول جنگ نامنظم
۳. منظور از جنگ های نامنظم
۴. تاریخچه جنگ های نامنظم

۱. تعریف جنگ های نا منظم:

به طور کلی میتوان گفت جنگ هایی که از قوانین و اصول جنگ کلاسیک پیروی نمی کنند جنگهای نامنظم نام دارد که یک طیف عملیاتیهای نظامی و شبه نظامی می باشد که در سرزمین دشمن و یا تحت اشغال یا کنترل دشمن و یا یک سرزمین حساس ویژه به مورد اجرا گذاشته می شود و شامل یک رشته عملیاتیهای مرتبط چریکی، نیرنگ و فرار، براندازی و خرابکاری، ماموریتهای ی اقدام مستقیم و سایر عملیاتیهای نیمه آشکار، مخفی با برخورداری از طبیعت غیر منتظره می باشد و به طور کلی جنگ های نا منظم عموماً میان نیروهایی صورت گرفته که در شرایط نابرابری زیاد در قدرت رزمی و فاصله چشمگیر تکنولوژی و تسلیحاتی بین نیروهای نظامی دو کشور رخ میدهد و طرف ضعیف تر در تکنولوژی و قدرت مادی ناچار می شود که از امکانات و تسلیحات خود به صورت نامتقارن در صحنه نبرد استفاده نماید و بیشتر با تاکتیک ها، روش های جدید ابداعی و قدرت معنوی و اصول و قواعد مناسب و غیر معمول با جنگ های کلاسیک در مقابل دشمن بجنگد.

۲. اصول عملیاتی جنگ های نا منظم:

۱. رزم نزدیک ۲. هدایت در صحنه ۳. پیش دستی و حفظ ابتکار عمل ۴. خلاقیت و نوع آوری در تاکتیک و تکنیک
 ۵. هماهنگی و همکاری ۶. ضربه قاطع ۷. خود اتکایی در نبرد ۸. واکنش سریع و ضربه متقابل ۹. رعایت پراکندگی در آفند و پدافند ۱۰. پدافند غیر عامل (پراکندگی، اختفاء، استتار، تفرقه) ۱۱. گسترش جنگ به مناطق خارج از صحنه نبرد ۱۲. بالا بردن توانمندی خود به منظور شرکت در دفاع طولانی ۱۳. اجرای عملیات به صورت واحد های کوچک خود کفایی و با فاصله از یکدیگر ۱۴. حداثر بهره گیری از عوامل و منابع بالقوه محیطی و محلی ۱۵. حداکثر استفاده از پوشش و فریب ۱۶. انجام عملیات در حالت سیال و متحرک ۱۷. طرح به صورت نیمه متمرکز و اجرای غیر متمرکز ۱۸. شناخت کامل از وجب به وجب منطقه نبرد ۱۹. انتخاب زمان مناسب ۲۰. بهره گیری از نبرد عاشورایی

۳. منظور از جنگ های نا منظم :

جنگ های نا منظم به منظور بهره برداری از آسیب پذیریهای نظامی، سیاسی، اقتصادی یا روانی دشمن به اجرا در می آید. این جنگ ها همچنین به منظور حفظ منابع حیاتی خودی و فرسایش و خسته نمودن ، سرگرم کردن و در نهایت انهدام دشمن صورت می گیرد.

۴. تاریخچه ای از جنگ های نامنظم:

۱. جنگهای نامنظم در جهان

الف) اسپانیا-سال ۱۰۸۷:

زمانی که ارتش نیرومند ناپلئون قصد تسخیر اسپانیا را داشت، دهقانان و مردم محلی برای مقابله با ارتش ناپلئون به کار گرفته شدند. این مردم بومی برای حفظ جان و مال و کاشانه اشان، با تمام قوا در مقابل ارتش عظیم ناپلئون پایداری کردند. در این زمان بود که برای اولین بار لغت گریلا به کار برده شد که بعدها در فرهنگ ارتش های دیگر نیز وارد شد. چون در این جنگها که جنگ چریکی بود هدف مشخص و ثابتی نبود و بیشتر هدفش فرسایش نیروهای منظم دشمن بود، اصطلاح جنگ فرساینده نیز معمول گردید. به این ترتیب یک نیروی آموزش ندیده پراکنده با تجهیزات کم و ناقص توانست هفت سال در مقابل یک دشمن قوی که نیروهای منظم دول مقتدر را به لرزه در آورده بود مقاومت کند. در این گیر و دار چون انگلستان با بومی های اسپانیایی در از بین بردن نیروهای ناپلئون هدف مشترک داشت، تجهیزات لازم را به بومی های اسپانیا می رساند و در اینجا است که علت کمک یک کشور ثالث به نیروهای نامنظم بومی که برای برانداختن حکومتی موجود در سرزمینی تلاش می کنند و همچنین پذیرش این کمک توسط نیروهای فوق روشن می شود. گر چه ممکن است کشور کمک کننده پس از پیروزی، منظور و هدفهایی بر خلاف مصالح اهالی سرزمینی که نیروهای نامنظم از آن هستند داشته باشد.

ب) آمریکا-در زمان جنگهای استقلال:

در مقابله با نیروهای منظم انگلستان، نیروهای نامنظمی توسط دو نفر یکی به نام ژنرال ماریون و دیگری به نام جان اس موزبی که حقوقدان بود تشکیل شد. نیروهای نامنظم فوق عملیات بسیار موثری را در مقابل با طرحهای عملیات منظم کشور انگلستان انجام دادند و لقب روباه باتلاق که انگلیسی ها به آنها داده بودند در حقیقت یک نوع تائید غیر قابل انکار عمل آنان و اهمیت جنگهای نامنظم بود.

پ) شبه جزیره عربستان-جنگ اول جهانی:

دولت عثمانی قسمت مهمی از منطقه عربستان شامل لبنان امروزی و اردن، اسرائیل و سوریه را متصرف شده بود. سرهنگ تی-ئی لارنس از انگلستان مامور می شود که در این منطقه عملیات نامنظم را در مقابل دولت عثمانی که در جنگ یکم جهانی درگیر بود اجرا نماید.

سرهنگ تی-ئی لارنس که بعدها به لورنس عربستان مشهور شد توانست با تجهیز مردم محلی عربستان و اجرای جنگهای چریکی دست برد بخطوط تدارکاتی و مواصلاتی آنان، امپراطوری عثمانی را به زانو در آورد. نیروهای چریکی کوچک. سرهنگ لارنس در مقابل یک صد هزار نفر سرباز عثمانی در یک منطقه وسیع صد و چهل هزار مایلی بکار برده می شدند و به قول خود سرهنگ لارنس هر لحظه که اراده می کرد مثل یک بلای آسمانی نفرات آموزش دیده عثمانی را با اجرای دستبرد و کمین های ماهرانه تار مار می کرد و سپس

ناپدید می شد سرهنگ لورنس در سازماندهی خود برای آموزش هر هزار نفر چریک یک افسر انگلیسی مامور کرده بود.

ت) روسیه - جنگ دوم جهانی:

پارتیزان های روسی در خطوط مواصلاتی آلمانها که به سرعت به سمت مسکو پیشروی می کردند چنان خطرانی را برای نیروهای آلمانی پیش آوردند که اهمیت آن کمتر از مقاومت نیروهای روسی در مقابل حملات کوبنده آلمانها نبود عملیات پارتیزانهای روسی از یک پایگاه عملیاتی که مقر آن در مسکو بود هم آهنگ می شد. در حقیقت پایگاه عملیاتی در منطقه خودی روسها قرار داشت و عملیات پارتیزانها را در منطقه اشغالی دشمن هدایت می کرد.

ث) فرانسه - جنگ دوم جهانی:

پس از اشغال فرانسه توسط آلمان نازی، نهضت های مقاومتی در سراسر فرانسه توسط افراد بومی تشکیل شد، در این نهضت ها افسران نهضت و افراد متخصص، آموزشهای لازم را به افراد بومی فرانسه میداد با کمک آمریکا و انگلستان اسلحه و تجهیزات کافی به افراد نهضت می رسید تا اینکه روزی در خلال گفته های مفسر فرستنده بی بی سی جمله غیر عادی شراب قرمز است جلب توجه می کند، زیرا به هیچ وجه با سایر قسمت های پیام بستگی نداشت و شاید قسمت اعظم افرادی که این پیام را شنیدند پی به مفهوم واقعی آن نبردند ولی برای اعضاء کمیته ملی فرانسه معنی خاصی داشت و آن شروع حمله علیه نازی آلمان بود. من باب مثال با شروع عملیات نا منظم، اعضاء نهضت مقاومت فرانسه توانستند لشکر ۱۰ هزار نفری زرهی آلمان را به که سوی فرماندهی در حرکت بود، تقریباً بطور کلی (کامل) از بین ببرند، زیرا این لشکر در حین راه قسمت اعظم توپخانه، تانک و جنگ افزارهای سنگین خود را از دست داده بود و با عدهای در حدود ۳۵۰۰ نفر وارد فرماندهی شده.

با همه این که کشور فرانسه بوسیله ۲۶ لشکر آلمانی اشغال شده بود نیروهای نامنظم فرانسه توانست لطمات متعدد سنگینی را به نیروهای آلمانی وارد کند.

ج) جنگ های نامنظم در الجزایر:

ضمن اینکه شب هنگام بانگ الله اکبر مردم خانه های گلی شهر الجزایر باعث تداوم و همبستگی ملت الجزایر جهت رهایی از بند اسارت می شد جنگجویان نا منظم این توده با مقاومت های سرسختانه و تلاش چندین ساله بالاخره توانستند در سال ۱۹۶۲ استقلال ملت الجزایر را از فرانسه که از سال ۱۸۳۰ یعنی به مدت ۱۳۲ سال الجزایر را در استعمار خود داشت، بگیرند. این ملت ۲۳ میلیونی قهرمان پس از طی یکی از سهمگین ترین جنگ های چریکی که به قیمت جان بیش از یک میلیون تن از عزیزترین فرزندان خود تمام شد موفق گردید خون آشامان فرانسوی را از مرز و بوم خود براند.

نبرد رهایی بخش الجزایر یکی از خونین ترین پیکارهای یک ملت است برای در هم کوبیدن استثمار. این نبردها می تواند سرمشق برای سایر ملتها بویژه ملت‌های مسلمان برای رهایی از سلطه بیگانگان باشد.

چ) چین - دوران جنگهای چین و ژاپن:

در اوایل جنگ مقاومت ضد ژاپنی عده زیادی از سرکردگان چینی برای نقش مهم استراتژیک جنگ چریکی ارزش کمتری قائل بودند و تمام امید خود را فقط به جنگ منظم و بویژه به عملیات ارتش می بستند. مائوتسه این نظریه را رد نمود و نشریه هایی راجع به اثرات جنگ چریکی منتشر ساخت در نتیجه در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که تعدادشان در سال ۱۹۳۷ فقط کمی بیشتر از چهل هزار نفر می شد، در سال ۱۹۴۵ که مصادف با تسلیم ژاپن بود، به یک ارتش یک میلیونی بسط و توسعه یافت. مناطق پایگاهی انقلابی بیشماری بوجود آورد و نقش مهمی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی ایفا نمود و بدین جهت بود که چیانگ‌کائیشک در تمام طول این دوره جرات نکرد در مقابل ژاپنی ها تسلیم شود و یا جنگ داخلی را در سراسر کشور برپا ساخت، ارتش آزادیبخش تودهای که از ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید تشکیل می شد به اندازه کافی نیرومند شده بود که بتواند حملات چیانگ‌کائیشک را دفع کند و موجودیت خود را حفظ و تقویت نماید و سرانجام رفرم بزرگ چین را باعث شود.

ح) جنگهای چریکی در ویتنام:

در ویتنام نیز می توان نمونه های درخشان و بارزی از جنگ های نامنظم و مقاومت در مقابل متجاوزین مشاهده نمود. این سرزمین که از کهن ترین کشورهای آسیای جنوب خاوری است و به صورت در ساحل اقیانوس آرام کشیده شده است و ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد دارای یک تاریخ چهار هزار ساله است که سرشار از مبارزات برجسته علیه حاکمین ظالم و همچنین مبارزات آزادیبخش علیه تجاوزات خارجی است که چند نمونه آن عبارت است از: اقدام علیه متجاوزین خونخوار مغول که در قرن ۱۸ تقریباً بر سراسر چین مسلط شده بودند، ویتنامی ها با شجاعت توانستند تسلط آنها را در کشور خود در هم کوبند.

از مبارزات آزادیبخش دیگر، مبارزه علیه دولت استثمار گر فرانسه بود که توانسته بود از سال ۱۷۸۷ تا ۱۸۲۷ تسلط خود را بر ویتنام و سرزمین های ماور دیگر مانند کابنج و لائوس با تشکیل فدراسیون فرانسه هند و چین کامل کند، ویتنامیها در مقابل لژیون خارجی فرانسه که در آن موقع افراد آن از جنایتکاران و تبهکاران وسفاک ترین اشخاص تشکیل میشد، آن چنان مقاومت و مبارزاتی را نشان دادند که موجب حیرت جهانیان گردید و آخرین مبارزه آنها در مقابل آمریکا بود که سالهای سال تمام رسانه های دنیا را به خود مشغول داشت و همه از آن اطلاع داریم و دیدیم که چگونه ویتنامی ها توانستند در طول این جنگها عملی ترین مکتب رشد نیروهای مقاومت را پیریزی کنند و چگونه آمریکا با شکست مفتضحانه اش در ویتنام قسمت اعظم اعتبار خود را از دست داد.

مثالهای فراوانی می توان از جنگهای چریکی و نامنظم و مقاومت در سرزمین و یا ملتهایی چون فلسطین ، قبرس، یونان، لبنان، کوبا، مالزی، فیلیپین و به طور کلی کشورهای آمریکای لاتین – آسیای خاوری و اخی را آفریقا برای روشن شدن اهمیت این نوع جنگها به میان آورد که هر کدام از این مثالها می توان یک سوژه تحقیق برای دانش پژوهان باشد.

خ) جنگ اعراب و اسرائیل:

در جنگ اعراب و اسرائیل با اشتباهاتی که از ارتش های اعراب صورت گرفت و با استفاده دقیق و به موقع از قوانین جنگ چریکی دریایی توسط فرماندهان اسرائیلی این نبرد به پیروزی اسرائیل منجر شد .

در سال ۱۹۷۳ نبرد بین مصر و سوریه از یک طرف و اسرائیل از طرف دیگر در زمین ، دریا و هوا در گرفت که با توجه به موضوع بحث ما نبرد دریا را مورد بحث قرار می دهیم.

در این نبرد که به جنگ یوم کیپور (Yom Kippur) معروف شد ، اولین جنگی در نوع خود بود که طرفین به موشک های ضد کشتی مجهز بودند .

در این نبرد سوریه و مصر از موشک ضد کشتی استیکس (Styx) و اسرائیل از گابریل - ۱ استفاده می کردند ، برد موشک استیکس دو برابر برد موشک گابریل - ۱ بود .

در منطقه شرق مدیترانه برتری عملکرد موشکی از این نظر بسیار حائز اهمیت است چرا که آبراهه های کم

عمق معمولاً برد عملیاتی قایق های تندرو تهاجمی (FAC) مجهز به رادارهای تجسسی ماوراء افق را

افزایش می دهد و به عنوان نقطه قوت نیروهای درگیر محسوب می شود ، با این وجود ۱۴ فروند شناور

کلاس سار اسرائیل که در این عملیات شرکت داشتند به رغم آنکه هدف موشک های متعدد قرار گرفتند بجز

در یک مورد خسارت جزئی همگی سالم از مهلکه گریختند ، در حالیکه شناورهای تندرو اسا (OSA) و

کمار (KOMAR) اعراب که دارای موشکهای استیکس بودند یا غرق شدند یا به درون بنادر عقب نشینی

کردند .

عواملی که اسرائیل جهت استفاده از شناورهای تندرو خود جهت پیروزی در نبرد نزدیک غیر کلاسیک

استفاده کرده بود به شرح ذیل می باشد .

* : قابلیت اختفاء ، اهداف کاذب ، جنگ الکترونیک و تاکتیک های مناسب جنگی

* : شناورهای اسرائیلی بگونه ای بهینه سازی شده بودند که کمترین سطح مقطع راداری (RCS) در جلو

سینه ایجاد شود و محدود کردن سطح سینه

* : استفاده از راکت های دوربرد اختلال (chaff) برای فریب خدمه های شناورهای اعراب بر روی شناورهای

تندرو

۲- جنگهای نا منظم در خلیج فارس

الف) جنگهای چریکی دریایی بر علیه پرتقالیها

مبارزات مردم هرمزگان در مقابل ابو کرک پرتقالی و جانشین او لیوسوارز در قرن ۱۶ میلادی بهنگام تصرف هرمز علیرغم عدم پشتیبانی شاه اسماعیل صفوی ضربات عمده ای بر پرتقالیها وارد ساخت و زمانی که شاه عباس صفوی تا حدودی با مردم ساحل نشین ایران در خلیج فارس همراه می گردد می بینیم که تنها با عملیات غیر کلاسیک مردم بومی و جلوگیری از رسیدن آذوقه به پایگاهها و ناوهای پرتقالی مقدمات شکست کامل پرتقالیها پس از یک قرن سلطه بر بنادر و نقاط استراتژیک جنوب ایران فراهم می گردد به طوری که در ۱۶۰۲ میلادی منجر به اخراج پرتقالیها از بحرین می شود و در سال ۱۶۰۴ عملیات غیر کلاسیک ایرانیان بر علیه اشغالگران پرتقالی در سرتا سر سواحل و جزایر آغاز می گردد و در سال ۱۶۲۰ راس الخیمه از تسلط پرتقالیها آزاد می شود و در عملیات بزرگ آبی - خاکی ایران بر علیه جزیره هرمز که در ۹ فوریه ۱۶۲۲ به وقوع پیوست ۲۰۰ قایق محلی شرکت جستند و علیرغم استحکامات و توپخانه پرتقالیها و کشتی های جنگی آنان با مجهز بودن ایرانیان تنها با تفنگهای کوچک و تیر و کمان و شمشیر و با بهره گیری از تاکتیکهای غیر کلاسیک به شکست قطعی پرتقالیها منجر گردید و به دنبال آن نیز سمار و خور فکان نیز توسط ایرانیان از اشغال پرتقالیها آزاد گردید و از دست دادن منطقه استراتژیک خلیج فارس منجر به شکست و خاتمه حکومت پرتقالیها در هندوستان نیز گردید.

ب) جنگهای نامنظم دریایی بر علیه هلندیها:

عملیات میر مهنا اهل بندر ریگ بر علیه کمپانی هلند شرقی و تسلط هلندیها در زمان کریم خان خود عملیات موفق بود که علیرغم تضاد با حکومت مرکزی ایران موفق گردید سالها در جزیره فارگو استقرار یابد کشتیهای انگلیسی و هلندی را مورد تهاجم عملیات غیر کلاسیک دریایی قرار دهد و در سال ۱۷۶۶ میلادی در یک عملیات متهورانه به جزیره خارک و قلعه هلندی ها محدود نگردید بلکه با تجهیز و مسلح کردن قایقهای کوچک سالها به کشتیهای استثمارگران در خلیج فارس حمله کرد و با فتح این قلعه و جزیره خارک به سلطه هلندیها بر خلیج فارس برای همیشه خاتمه داد عملیات غیر کلاسیک دریایی میرمهنا تنها به بیرون کردن هلندیها محدود نگردید بلکه با تجهیز و مسلح کردن قایقهای کوچک سالها به کشتیهای استثمارگران در خلیج فارس حمله کرد و حتی یک بار یک کشتی جنگی انگلیسی را نیز تصرف نمود.

پ) نبرد نیروی دریایی سپاه با آمریکا:

اما نزدیکترین و ملموس ترین جنگ چریکی دریایی در خلیج فارس مربوط به نبرد نیروی دریایی سپاه با آمریکا می باشد که در آن رزمندگان ایرانی با استفاده از تاکتیک های ذیل به موفقیتهایی دست یابند:

۱- استفاده از قایقهای کوچک و تندرو

۲- مین ریزی

۳- موشکهای ساحل به دریا با سکوه‌های متحرک
در ۱۵ و ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷ بترتیب نفتکش‌های sungiri و سی آیل سی در آبهای کویت مورد حمله
موشکهای کرم ابریشم قرار گرفتند .
در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ ناوگان آمریکا اسکورت نفتکش‌های کویتی را برعهده گرفت و در ۲۵ ژوئیه اولین کاروان
نفتکش بریجتان در ۱۸ مایلی غرب جزیره فارسی به مین برخورد نمود.
در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ نیز ناوشکن ساموئل بی رابرتز آمریکایی در شمال شرقی بحرین به مین برخورد کرد که
۱۰ نفر از پرسنل این ناو زخمی شدند.
همچنین آمریکا در عملیات ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ یکفروند بالگرد Ah-1T سی کبرا را از دست داد که همه
پرسنل آن کشته شدند البته موارد دیگری هم وجود دارد که بخاطر خلاصه گویی از آن چشم پوشی می
کنیم .

فصل دوم

آشنایی با خلیج فارس

۱. وضعیت جغرافیای خلیج فارس

۲. اهمیت استراتژیکی خلیج فارس

۳. نواحی استراتژیکی در خلیج فارس

۴. ویژگی های خلیج فارس جهت انجام عملیاتهای چریکی

۱. وضعیت جغرافیای خلیج فارس

۱-۱- آب و هوای خلیج فارس:

برای تشخیص آب و هوای یک منطقه باید به عواملی نظیر موقعیت جغرافیایی، پستی و بلندی، دوری و نزدیکی به دریا و دیگر عوامل طبیعی توجه کامل شود. در مورد آب و هوای خلیج فارس نیز باید موقعیت این خلیج و سرزمینهای همجوار آن نظیر شبه جزیره عربستان و دیگر نقاط را در نظر بگیریم. با اینکه خلیج فارس از نظر موقعیت جغرافیایی در منطقه معتدلیه واقع گردیده است و با مقایسه با نقاط هم عرض میبایستی دارای فصول چهارگانه باشد اما به سبب پستی و بلندی نقاط هم جوار آب و هوای مخصوص به خود را دارد که روی هم رفته دارای دو فصل زمستان کوتاه (آذر، دی، بهمن) که خنک ترین فصل سال و دیگری گرم و طولانی است.

از مطالعه آمار موجود منتشره نتیجه گرفته می شود که خلیج فارس و سواحل اطراف آن از نواحی بسیار گرم جهان است بطوریکه درجه حرارت متوسط سالیانه آن حدود ۲۸ تا ۲۴ درجه سانتی گراد و حداقل گرمای آن به ۱/۵ درجه سانتی گراد و بندرت در سواحل آن از نوع آب و هوای صحرائی است که که باران آن کم است و مربوط به فصل کوتاه یعنی ماه های آذر، دی، بهمن است و سواحل جنوبی آن بارانش به مراتب از سواحل شمالی کمتر است بطوریکه در سواحل شمالی در خرمشهر به ۲۰ و بوشهر به ۲۷ سانتی متر می رسد. مسلماً این کمی باران را باید در موقعیت خلیج فارس و مناطق همجوار و حتی مناطق دوردست جستجو کرد، بادهائی که از طرف جنوب و یا جنوب غربی بسوی خلیج فارس حرکت می کنند بادهای کرم و سوزانی هستند که پس از طی شبه جزیره گرم و خشک عربستان باین منطقه می رسند و به علت نبودن ارتفاعات قابل ملاحظه در سواحل نزدیک خلیج فارس بخارهای حاصله خلیج فارس به حد اشباع و باروری نمی رسد و اگر مقداری از این بخاراها هم به حد اشباع برسد پس از طی مسافتی طولانی رطوبت و نم خود را از دست داده و به هنگام برخورد با مناطق مرتفع باران کافی و زیاد نخواهد داشت و همچنین بادهایی که از طرف خاور یا شمال خاوری می آیند با توجه به موقعیت فلاتی ایران بادهای باران آوری نخواهد بود. در هر حال این منطقه و نواحی همجوار یکی از کم باران ترین مناطق به شمار می روند.

۱-۲- بادهای موسمی خلیج فارس

بادهای که از خلیج فارس و مناطق همجوار می وزند به سه دسته تقسیم می شوند:

الف- بادهای منظم و فصلی :

این بادهای در زمستان که هوای اطراف خلیج فارس از هوای فلات ایران و داخل عربستان گرمتر است از شمال و جنوب بطرف داخل خلیج و داخل خلیج فارس از شمال باختری به جنوب خاوری به موازات ساحل به حرکت خود ادامه می دهند و در تابستان به سبب وجود مراکز فشار کم آسیا برفراز پاکستان این بادهای از شمال باختری به سوی جنوب خاوری در حال وزش می باشند و بادهای محلی را بوجود می آورند.

ب-بادهای محلی:

بادهای دریایی یعنی بادهای متناوبی که برحسب قوانین اقلیمی در روز از دریا به طرف خشکی و در شب به طرف دریا می وزد، تقریباً در تمام سواحل خلیج فارس وجود دارند ولی در اینجا مقصود از بادهای محلی بادهایی است که در هر ناحیه نام خاصی دارد و معروف ترین آنها عبارتند از باد شمال و باد شرقی.

پ-طوفانها و بادهای شدید:

در زمستانها خلیج فارس در معرض حمله هسته های کم فشار مدیترانه ای قرار می گیرد طوفان های شدید و خطرناکی در آن بروز می کند که اغلب باعث خسارت فراوان می شود ، جهت حرکت این بادهای شدید ممکن است جنوب خاوری و یا شمال خاوری باشد و به عبارت در جبهه گرم و یا جبهه سرد یک هسته کم فشار قرار داشته باشد، شدت وزش باد در این موارد گاهی بپایه ایست که با گردبادهای مخوف نواحی استوا و گردبادهای معروف آمریکا قابل مقایسه است.

۳-۱- بندر ساحلی و جزیره های ایران در خلیج فارس و دریای عمان

*بندر کوچک بریس که در ۱۰-۲۵ درجه شمالی و ۱۰-۶۱ درجه شرقی قرار داشته و ساکنان آن به ماهیگیری مشغول هستند، این بندر دارای لنگرگاه و پناهگاه مناسب به عمق ۹ متر بوده و جنس کف دریا شنی است.

*بندر چاه بهار که در ۱۸-۲۵ درجه شمالی و ۱۰-۶۱ درجه شرقی قرار داشته و دارای چهار پست اسکله تجاری جهت تخلیه و بارگیری می باشد.

*بندر کنارک که دارای اسکله جهت تخلیه و بارگیری می باشد.

*بندر کوچکپوزیم که در خلیج پوزیم واقع شده و سکنه آن به ماهیگیری مشغول هستند.

*بندر تانک که در ۱۲-۲۵ درجه شمالی و ۵۴-۵۹ درجه شرقی

*بندر کوچک گلاک در خور گلاک

*خورابیج که در ۲۶-۲۵ درجه شمالی و ۵۱-۵۹ درجه شرقی قرار دارد و واحد های شناور تا

۱۰۰ تن قادر هستند وارد خور شده تخلیه و بارگیری نمایند.

*بندر جاسک که در ۲۹-۲۵ درجه شمالی و ۴۶-۵۷ درجه شرقی قرار دارد، دارای لنگرگاه و مناسب

است. و در حال حاضر تخلیه و بارگیری در لنگرگاه صورت می گیرد.

*بندر سیریک که در ۳۰-۲۶ درجه شمالی و ۵۰-۵۷ درجه شرقی.

*بندر میناب که در ۰۷-۲۷ درجه شمالی و ۴۷-۵۶ درجه شرقی در ۸ مایلی خور میناب واقع است.

*بندر کوچک دیرستان واقع در جنوب قشم که در ۴۲-۲۶ درجه شمالی ۵۳-۵۵ درجه شرقی قرار

دارد.

- *بندر کوچک سوزاه واقع در جزیره قشم که در ۲۶-۴۵ درجه شمالی و ۵۰-۵۶ درجه شرقی قرار دارد.
- *بندر قشم واقع در شمال شرقی جزیره قشم در حال توسعه است.
- *بندر کوچک بسیکوه واقع در شمال جزیره قشم.
- *بندر کوچک گوران واقع در شمال جزیره قشم.
- *بندر کوچک لافت واقع در شمال جزیره قشم.
- *بندر کوچک درگاهان واقع در شمال شرقی جزیره قشم.
- *بندر کوچک با سعید واقع در غرب جزیره قشم.
- *بندر عباس، این بندر به لحاظ موقعیت جغرافیایی مهمترین شرایط را برای نفوذ به داخل ایران در مقیاس وسیع را دارد.
- *بندر معلم که در یک مایلی شمال راس اوشاواربواقع است.
- *بندر لنگه که در ۲۶-۳۵ درجه شمالی و ۵۳-۵۴ درجه شرقی قرار دارد دارای موج شکن است.
- *بندر کوچک شیان که در ۲۶-۳۰ درجه شمالی و ۴۷-۵۴ درجه شرقی قرار دارد دارای لنگرگاه با عمق مناسب می باشد.
- *بندر بستاره که در ۲۶-۳۰ درجه شمالی و ۳۹-۵۴ درجه شرقی قرار دارد دارای لنگرگاه که کار ماهیگیری مشغول است.
- *بندر کوچک گروزه که در ۲۶-۴۵ درجه شمالی و ۵۳-۵۸ درجه شرقی قرار دارد دارای لنگرگاه مناسب.
- *بندر کوچک چپرو که در ۲۶-۴۲ درجه شمالی و ۴۴-۵۳ درجه شرقی قرار دارد دارای لنگرگاه مناسب.
- *بندر کوچک جزیره کیش دارای موج شکنو ظرفیت پذیرش کشتیهایی تا ۱۰۰۰ تن را دارا است.
- *بندر کوچک نخیلو واقع در ۲۶-۵۵ درجه شمالی و ۲۹-۵۳ دارای لنگرگاه و پناهگاه مناسب.
- *بندر کوچک عسلویه واقع در ۲۷-۲۹ درجه شمالی و ۳۴-۵۲ دارای لنگرگاه مناسب.
- *بندر گاه کلات که در ۲۴-۲۸ درجه شمالی و ۰۸-۵۱ درجه شرقی قرار دارد دارای لنگرگاه می باشد
- *بندربوشهر که در ۲۸-۲۹ درجه شمالی و ۵۰-۵۰ درجه شرقی قرار دارد این بندر که از لحاظ شکل هندسی بطور محذب است بهترین محور نفوذی فارس را در اختیار دارد.
- *بندر ریگ که در ۲۹-۳۲ درجه شمالی و ۵۳-۵۸ درجه شرقی قرار دارد.
- *بندر کوچک دیلم که در ۳۰-۰۴ درجه شمالی و ۵۰-۱۰ درجه شرقی قرار دارد.
- *بندر امام که در ۲۵-۳۰ درجه شمالی و ۰۳-۴۹ درجه شرقی قرار دارد.
- *بندر خسرو آباد که در ۳۰-۹۰ درجه شمالی و ۲۴-۴۸ درجه شرقی قرار دارد.
- *بندر آبادان که در ۲۰-۳۰ درجه شمالی و ۱۳ درجه شرقی قرار دارد.
- *بندر خرمشهر که در ۲۶-۳۰ درجه شمالی و ۱۰-۴۸ درجه شرقی قرار دارد.

۴-۱- جزایر ایران در خلیج فارس:

الف) جزایر ایران در خلیج فارس به شرح زیر است:

- (۱)- جزایر خارک و خارکو
- (۲)- جزیره لاوان (شیخ شعیب)
- (۳)- جزایر فارور بزرگ و کوچک (بنی فارور)
- (۴)- جزیره کیش
- (۵)- جزایر کوچک، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابو موسی، هندرابی، سسی
- (۶)- جزیره قشم
- (۷)- جزیره هنگام
- (۸)- جزیره هرمز
- (۹)- جزیره لارک
- (۱۰)- جزیره فارسی

(ب) از لحاظ ارزش نظامی ایران در خلیج فارس می توان به دو دسته تقسیم نمود:

- (۱) دسته جزایری که در باب هرمز بین دریای عمان و خلیج فارس قرار گرفته است.
 - (۲) دسته جزایری که در داخل خلیج فارس و در مجاورت کرانه ها واقع شده است.
- برای جزایر دسته اول دو نوع ارزش نظامی می توان قائل شد، در وحله اول تحت حاکمیت قرار دادن دفاع از باب هرمز برای حاکمیت به خلیج فارس و در وحله دوم دفاع از کرانه های بندر عباس از لحاظ اقتصادی و بازرگانی و انسانی متاسفانه توجه زیادی به اکثر جزایر ایران در خلیج فارس نشده و این کمبودی برای جزایر در روز مبادا است.

۲. اهمیت استراتژیکی خلیج فارس

۲-۱- اهمیت خلیج فارس در رابطه با تامین انرژی دنیا:

خلیج فارس تنها معبر صادرات نفتی ایران است، بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی کشور به صدور نفت از مناطق جنوب و جنوب غربی از خلیج فارس بستگی دارد، ۹۰ درصد نفت مصرفی ژاپن، بیش از ۷۰ درصد نفت مصرفی اتحادیه اروپا و ۳۲ درصد نفت مصرفی آمریکا از این منطقه تامین می شود. جمهوری اسلامی ایران حدود ۴۰ پروژه راهبردی در دامنه شمالی خلیج فارس که به شدت نیازمند امنیت و آینده قابل پیش بینی هستند.

این در حالی است که به هر حال سیاست داخلی و خارجی ایران به هم گره خورده و هر گونه اختلال در تامین درآمدهای ملی (از راه فروش نفت)، بازتاب امنیتی در داخل کشور را فراهم آورده و فرصت پیش روی ایران را به رقبای نفتی ایران واگذار میکند. ذکر یک مثال اهمیت ثبات و مزیت آن را برای ایران بهتر روشن میکند؛ ایران به عنوان کشور شمالی خلیج فارس با شش کشور در خلیج فارس مرز مشترک دارد که یکی از آنها کشور عربی قطر است.

قطر با ایران مرز مشترک دریایی دارد و این مرز حاوی عظیم ترین ذخایر گازی و یکی از مهم ترین مخازن غنی نفتی جهان است. ایران به دلیل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران موفق به بهره برداری از منابع واقع در این حدود مرزی نشده اما کشور قطر با ۲۱ میلیارد دلار سرمایه گذاری، طی دهه ۱۹۹۰ نزدیک به ۲۳/۵ میلیارد دلار از این مخزن مرزی برداشت کرده است! چنین موردی در مورد میدان های مشترک کویت و عراق در منطقه رمیله هم اتفاق افتاد و بهانه عراق برای حمله به کویت را فراهم کرد.

بنابراین منطقه مرزی اعم از زمین و دریا در زمان حاضر و مکان مورد مطالعه ما اهمیت امنیتی دارد؛ چرا که منطقه مرزی هم بخشی از تمامیت ارضی است و هم عایدات ناشی از آن کاربرد اقتصادی، تجاری و استراتژیکی دارد.

۲-۲- جغرافیای امنیتی و عمومی خلیج فارس:

حوزه خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۳۲/۸۵۰ کیلومتر مربع (معادل تقریباً نصف دریای خزر که ۴۳۸/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد) یکی از مناطق استراتژیکی جهان است. این منطقه با برخورداری از ۶۵ درصد منابع نفتی و ۳۰ درصد ذخایر گازی دنیا، منابع غنی دریایی مانند: جانوران دریایی، مروارید و ماهی، بازار پر مصرف و غنی و موقعیت استراتژیکی تنگه هرمز، خلیج فارس را به تعبیر «نیوسام» به مرکز و قطب عالم تبدیل نموده است. خلیج فارس از اروند رود تا تنگه هرمز حدود ۸۰۰ الی ۸۵۰ کیلومتر طول دارد. عرض خلیج فارس حداکثر ۳۵۰ تا ۳۷۵ کیلومتر و حداقل ۵۰ تا ۷۵ کیلومتر است. کمترین

عرض خلیج فارس در منطقه هرمز قرار دارد. بیشترین ساحل خلیج فارس متعلق به ایران است که به حدود ۱۲۵۰ کیلومتر بالغ می شود.

طول ساحل کشورهای عربی در خلیج فارس حدود ۱۷۶۰ کیلومتر است ، بنابراین مجموع طول سواحل خلیج فارس بالغ بر ۳۰۰۰ کیلومتر است که تقریباً ۴۵ درصد آن به ایران تعلق دارد .

کشور عراق بر خلاف ایران کمترین ساحل را در خلیج فارس دارد ، چون طول ساحل این کشور در خلیج فارس فقط ۵۸ کیلومتر (یک شصتم) است . مهم ترین رودخانه هایی که به خلیج فارس می ریزند عبارتند از : اروند رود (که از به هم پیوستن رودهای دجله ، فرات و کارون تشکیل می شود) ، کارون (که از طریق انشعاب رود بهمن شیر که پس از دور زدن آبادان به خلیج فارس وارد می شود) ، کرخه ، جراحی (در محل خور موسی) ، مند ، دالکی ، مهران ، زهره و هندیجان (تاب) .

در میان رودهای یاد شده ، کارون و کرخه یعنی دو رود ایرانی، بزرگترین و پر آب ترین رودخانه هایی هستند که به خلیج فارس می ریزند.

خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک و نیز به همین تعداد جزایر مسکونی و غیر مسکونی دارد. از این مجموعه جزایر واقع در شمال خط فرضی ، آباد و مسکونی بوده و به ایران تعلق دارند. اما جزایر واقع در جنوب خط فرضی وسط خلیج فارس ، متعلق به شش کشور جنوب خلیج فارس است که اغلب غیر مسکونی ، سنگی و مرجانی هستند. بزرگترین جزیره خلیج فارس ، جزیره ایرانی قشم است که حدود ۱۴۹۱ کیلومتر مربع وسعت دارد. پس از جزیره قشم، جزیره کویته بوبیان و جزیره بحرین بیشترین وسعت را دارند. برخی دیگر از جزایر منطقه خلیج فارس مانند هرمز از اهمیت استراتژیک و برخی دیگر مانند قشم، خارک، کیش، فیلیکه و بحرین از اهمیت تاریخی بر خوردارند. مهم ترین جزایر ایرانی به ترتیب از شرق (تنگه هرمز) به غرب (راس خلیج فارس) عبارتند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، فلرور بزرگ، سرپری، کیش، هندورابی، لاوان، امالکرم، نخیلو، جبرین، امسیله، خارک، خارگو، بونه، حاج صلبوخ، دارا و جزیره فارسی، که این جزیره جنوبی ترین و نسبت به خاک ایران دورترین جزیره ایران است.

برخی از بنادر خلیج فارس هم، از نظر جغرافیای امنیتی شایان توجه است. بنادر خلیج فارس به عنوان قطب های مهم صادرات و واردات همواره مورد توجه کشورهای منطقه و خارج از منطقه بوده اند. در حال حاضر مهم ترین بنادر ایرانی خلیج فارس عبارتند از: بندر عباس ، بندر شهید رجایی، بندر لنگه، بندر بوشهر، بندر امام خمینی (شاهپور سابق)، ماهشهر (معشور سابق)، خرمشهر و آبادان.

طی سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسبامی ایران و آسیب پذیر شدن بنادر مذکور بخصوص بنادر جنوب غربی ایران مانند خرمشهر و آبادان ، اهمیت بنداری چون بندر عباس و بندر چا بهار چشمگیر

شد اما این معادله پس از پایان جنگ معکوس شده و در حال حاضر بنادر خرمشهر و آبادان در حال بازیابی نقش دیرین و اهمیت استراتژیک خود هستند.

بنادر عربی خلیج فارس از سمت غرب به شرق عبارتند از : بصره (عراقی) ، ام القصر ، کویت ، احمدی (کویت) ، الجبیل، راس التنوره، الدمام (عربستانی)، منامه و المحرق (بحرینی)، دوحه و ام السعید (قطری) ، ابوظبی ، جبل علی ، دوبی ، شارجه ، عجمان و راس الخیمه (اماراتی) و بندر قابوس (عمانی) و در مدخل ورودی خلیج فارس).

عوامل دیگری مانند آب و هوا ، میزان بارش و جهت بادهای هم در تحلیل امنیت خلیج فارس حائز اهمیت است . متوسط دمای خلیج فارس حدود ۲۴ تا ۲۸ درجه سانتی گراد است، این میزان متوسط در ماههای گرم یعنی تیر و مرداد به حدود ۵۳ درجه و در ماههای نسبتاً خنک یعنی دی و بهمن به ۱۵ درجه می رسد. دمای هوا در سواحل ایرانی خلیج فارس بطور متوسط حدود ۲۴ و در سواحل جنوبی یا عربی خلیج فارس به ۲۸ درجه بالغ می شود .

حداکثر عمق آب در خلیج فارس حدود ۹۲ متر است . این عمق در مقایسه با سایر دریاها مانند : دریای عمان که ۳۰۰۰ متر عمق دارد یا دریای عرب که بیش از ۵۰۰۰ متر عمق دارد ، قابل توجه است . عمق زیاد آب امکان کشتیرانی ، لنگراندازی در نزدیکی ساحل ، ورود کشتی های غول پیکر و عبور زیر دریایی ها را میسر می سازد . اما عمق کم ، ضمن ممانعت از موارد فوق ، امکان استخراج ارزان منابع دریایی ، جذب جهانگردی و احداث تاسیسات دریایی را امکان پذیر می نماید.

عمق اندک آب در ۷۵ درصد مساحت خلیج فارس ، گویای یک نکته مهم دیگر نیز هست ؛ از نظر ساختمان زمین و بستر دریا ،

تمامی خلیج فارس ادامه طبیعی جلگه های اطراف ایران است ، اگر عمق آب حدود ۲۰ متر پایین رود وسعت خلیج فارس به نصف میزان موجود رسیده و به ۲۳۳ هزار کیلومتر مربع می رسد .

خلیج فارس و نواحی اطراف آن از نظر منابع جوششی و بارشی هم شرایط خاصی دارد. به طور کلی این منطقه با کمبود شدید بارش مواجه است .

حدود ۸ الی ۹ ماه از سال در خلیج فارس ، اصلاً باران نمی بارد . در طول سال هم هیچ وقت آب یخ نمی زند . میزان بارش در طول سواحل عربستان سعودی حداکثر ۱۰ میلی متر و در سواحل ایران (بوشهر) به ۲۷ و حداکثر ۴۰ میلی متر می رسد.

فقر منابع آبی در منطقه ، مساله آب را تا حد یک موضوع امنیتی ارتقاء داده است و کشورهای منطقه مجبورند برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده آب شرب شهروندان ، کشاورزی و صنایع و خدمات در حال گسترش ، آب مصرفی خود را از طریق خطوط لوله یا تانکر وارد نموده و یا تاسیسات پر هزینه آب شیرین کنی را راه اندازی نمایند. مبادله نفت در برابر آب طی دو دهه اخیر در منطقه مورد توجه قرار گرفته و کشورهای دارنده آبی مانند ترکیه و ایران مذاکرات مهمی را با کشورهای قطر ، کویت و عربستان سعودی به

عمل آورده اند. اهمیت فزاینده آب در منطقه طی سالهای اخیر، برخی استراتژیست های بدبین را بدین نتیجه رسانده که مناقشه بر سر آب جنگ های مربوط به نفت در آینده را تحت الشعاع قرار خواهد داد. علاوه بر وضعیت آب و هوایی و بارش، بادهای منطقه خلیج فارس هم حائز اهمیت هستند. منطقه خلیج فارس در کنار بادهای فصلی و محلی، شاهد برخی طوفانهای شدید نیز می باشد که می تواند به تاسیسات نفتی، ناوگانهای عظیم دریایی و صنایع شیلات زینهای قابل توجهی را وارد نماید. این قبلی طوفانها که نمونه هایی از آنها طی سال ۱۳۳۵ در سواحل قطر به وقوع پیوست معمولاً از جنوب شرقی یا شمال غربی بوده و محدود به مقطع زمانی خاصی نیست.

چنین جریانهایی در کنار رطوبت بالای هوا که در مناطقی چون خور عبدالله و تنگه هرمز به حدود ۹۰ درجه می رسد، از نظر تعیین مسیر کشتی ها، تعقیب نیروهای هدف، جابجایی مین ها و سیم های دریایی و بالاخره تخریب تاسیسات و دکل های نفتی و اسکله های بندری حائز اهمیت هستند.

۳. نواحی استراتژیک در خلیج فارس:

خلیج فارس به عنوان یک منطقه بزرگ استراتژیک، شامل ناحیه های متعددی است که حائز اعتبار و نقش استراتژیک هستند. ناحیه استراتژیک به نقطه ای گفته می شود که:

- ۱) تحولات آن دارای بازتاب های گسترده منطقه ای، قاره ای یا جهانی باشد.
- ۲) مرکز استقرار استحکامات و نیروهای نظامی، امکانات ارتباطی و تاسیسات کنترلی باشد.
- ۳) کشور همسایه بصورت بالقوه امکان کنترل آن ناحیه یا منطقه را داشته باشد.
- ۴) مرکز قدرت سیاسی یا ارتباطات دیپلماتیک کشور و مجامع جهانی باشد.

بر اساس تعریف فوق منطقه خلیج فارس دارای نواحی آبی، خاکی و ساحلی مختلفی است که وقوع تحول در آنها بازتاب فرا منطقه ای وسیعی در پی خواهد داشت. به همین دلیل کشور های همجوار این نواحی کوشیده اند با تحکیم و تثبیت کنترل خود بر این نواحی، از موقعیت برتری برخوردار شوند. به عنوان نمونه می توان از جایگاه نواحی چون تنگه هرمز، جزیره ابوموسی، جزیره بوبیان، جزیره قشم و اروند رود یاد کرد که وقوع تحول در آنها فقط محدود به کشورهای ساحلی نمی شود بلکه طیف مختلفی از بازیگران منطقه ای و بین المللی را در بر می گیرد.

بنابراین، از منظر جغرافیای امنیتی می توان ادعان نمود که منطقه بزرگ خلیج فارس دارای چندین ناحیه استراتژیک می باشد که مجموعه خصوصیات آنها نشان دهنده اعتبار بی نظیر خلیج فارس در جهان است.

۱-۳- تنگه هرمز:

تنگه هرمز یکی از شش تنگه (باب المندب، سوئز، داردانل و بسفر، جبل الطارق و تیران) مهم بین المللی است که در جنوب غرب آسیا واقع شده و خلیج فارس را به اقیانوس هند متصل نموده است. موقعیت جغرافیایی، استقرار قدرتهای خارجی، منافع کشورهای ساحلی و بالاخره منابع بی نظیر نفت و گاز خلیج فارس باعث شده اند تا تنگه هرمز از اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک برخوردار شود.

تنگه هرمز حدود ۱۰۰ مایل دریایی (۱۸۲ کیلومتر) و به تعبیری ۱۸۷ کیلومتر طول دارد. عرض تنگه هرمز در نقاط مختلف، متفاوت است اما کوتاهترین فاصله آن بین جزیره لارک و جزیره قوئین کبیر قرار دارد که حدود ۳۸ کیلومتر می باشد. عرض تنگه هرمز در کوتاهترین فاصله بین ساحل ایران و عمان، حدود ۹۰ کیلومتر است یعنی فاصله بین «نخل ناخدا» واقع در ساحل ایران و شمالی ترین نقطه شبه جزیره مسندام، ۹۰ کیلومتر می باشد. عمق تنگه هرمز در نواحی مختلف آن متفاوت است، ولی از آنجا که عمق ۳۰ متری برای حرکت کشتی های نفت کش کافی است، تنگه هرمز به دلیل داشتن عمقی حداقل ۳۶ و حداکثر ۲۱۳ متر آمادگی عبور دادن کشتی های عظیم نفت کش را داراست.

موقعیت تنگه هرمز در مقایسه با تنگه های پنجگانه دیگر قابل فهم است. جدول زیر این اهمیت را نشان می دهد:

نام تنگه	حداقل پهنا (کیلومتر)	طول (کیلومتر)	عمق (متر)	تعداد تقریبی کشتی های عبوری (در روز)	دولتهای ساحلی
جبل الطارق	۱۶	۵۵	۸۰-۶۰۰	۱۵۰	اسپانیا-مراکش
داردانل	۱/۲	۵۶	۴۶-۹۱	۶۰	ترکیه
بسفر	۶	۲۴	۴۹	۵۰	ترکیه
باب المندب	۱۷	۵۵	۱۲-۱۸۳	۵۵	یمن، اتیوپی - جیبوتی
هرمز	۳۸	۱۸۷	۷۶-۲۱۳	۸۰	ایران-عمان
سوئز	۱۷۸ (متر)	--	۱۶	۶۰	مصر
تیران	۵	۱۰	۷۳-۱۸۳	کمتر از ۱۰	مصر، عربستان

موقعیت تنگه هرمز از منظر ژئواستراتژیک هم قابل ملاحظه است. موقعیت ژئواستراتژیک ناظر بر نقش عوامل جغرافیایی در استراتژی (بخصوص استراتژی نظامی) است.

ابعاد ژئواستراتژیک تنگه هرمز عبارتند از:

- ◀ ترانزیت نفت
- ◀ گرانیگاه دفاعی - تهاجمی
- ◀ تنگه هرمز به مثابه سد تکیر بحران به اقیانوس کبیر
- ◀ انسجام بخشی به نیروها و حمایت لجستیک نبرد
- ◀ تحول نقش تنگه هرمز در تامین امنیت پایدار

۲-۳- جزایر ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک

ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک سه جزیره ایرانی هستند که در منتهی الیه مرزهای دریایی ایران قرار دارند. طی سی سال اخیر، شیخ نشین امارات متحده عربی مدعی اشغال این جزایر از سوی ایران بوده و تقاضا نموده است که این اختلاف مرزی بین ایران - امارات در دادگاه لاهه طرح و روابط تنش آلود طرفین بهبود یابد. طرف ایرانی ضمن رد این تقاضای امارات، موضوع را فقط در حد یک سوء تفاهم و قابل حل در قالب مذاکره دو جانبه معرفی نموده و خواهان عدم مداخله سازمانهای منطقه ای و بین المللی در یک اختلاف نظر منطقهای شده است. گفتنی است طرف اماراتی با استفاده از موقعیت سالهای جنگ تحمیلی و نیز تصویر نه چندان مطلوب ایران در صحنه بین المللی، تبلیغات فراوان و مناقشات متعددی را بر پا ساخته است، به طوری که تقریباً در تمام جلسات سران و مقامات «شورای همکاری خلیج فارس»، استرداد جزایر سه گانه خواسته شده و سوء استفاده قدرتهای فرا منطقه ای مانند اسرائیل، آمریکا، مصر، و سوریه، یک مساله متعارف در منطقه را به موضوعی جنجالی تبدیل نموده است.

۳-۳ خلیج فارس از نگاه آمریکا:

توجه شدید و فزاینده ایالات متحده به منطقه خلیج فارس که در سیاست خارجی این کشور منعکس است به عوامل زیر مربوط می شود:

الف- جنبه اقتصادی

ایالات متحده آمریکا نفت خلیج فارس را بعنوان یکی از بزرگترین منابع عمده انرژی جهانی که در چرخاندن محور صنعت و حیات اقتصادی آمریکا و اردوگاه غرب بخصوص کشورهای عضو پیمان ناتو تاثیر بسزایی دارد به حساب می آورد، ایجاد وقفه در ادامه جریان این منبع پربهای انرژی به سوی غرب باعث می شود تا فروپاشی جهان سرمایه غرب تسریع شود.

ب- جنبه استراتژیک

بر طبق تئوری برژنیسکی (مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا) ایالات متحده آمریکا منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان را سومین خط دفاعی استراتژیک که در معدلات نظامی دارای اهمیت دفاعی و حیاتی است به حساب می آورد.

پ- اهمیت این خط دفاعی به ترتیب پس از خطوط ذیل می آید

(۱)- خط دفاعی دوم که شامل قاره اروپاست

(۲)- خط دفاعی اول که عبارت از خود ایالات متحده آمریکاست

۴. ویژگیهای خلیج فارس جهت انجام عملیات چریکی:

۱-۴-امکانات خلیج فارس

خلیج فارس امکانات بسیاری در اختیار ایران برای جنگ غیرکلاسیک دریایی قرار می دهد اما استفاده از تاکتیکها و وسایل مورد نیاز در زمان مناسب به هنر فرماندهی نیاز دارد . در مورد خلیج فارس هم اگر نتوان گفت جهنم تکنیک است اما میتوان گفت بهشت تاکتیک است ، زیرا دشمن که تکنیک برتر است نمی تواند از تکنیک خود بطور مفید استفاده کند بطور مثال دشمن بدلیل عمق کم خلیج فارس نمی تواند زیردریایی های غول پیکر خود را وارد خلیج فارس کند و بدلیل محدود بودن خلیج فارس احتمال رهگیری و کشف آن آسان است ناوهای هواپیمابر بدلیل آبخور زیاد و عمق کم خلیج فارس مانورپذیری محدودی دارند و حرکت آنها کانالیزه می شود ، رادارهای دریایی بدلیل خورها و جنگلهای دریایی و ... برای مخفی شدن شناورهای هجومی و کوچک آنچنان به کشف هدف (Target) کمک کنند.

سوناها در عمق 1.5m از سطح آب را بدلیل امواج اخلا لگر سوناری ، نمی توانند کشف کنند

۲-۴-پایگاههای دریایی:

ایرانیان به منظور استفاده از موقعیت سواحل خلیج فارس برای پایگاههای دریایی مورد نیاز در جنگ چریکی می توانند ۳ نوع پایگاه را تعریف کنند .

الف - پایگاه های معمولی :

مانند پایگاه های ناو تیپ قادر و تندر در منطقه یکم که بطور عادی و در دید قرار دارند و در کنار اسکله های تجاری ساخته شده اند. این نوع پایگاه ها دارای مزایایی همچون دارا بودن زیر ساختهای مناسب جهت لجستیک رسانی به جزایر و استفاده از امکانات بندر تجاری در وقت ضرورت ، همچنین پهلوگیری شناورهای بزرگ می باشد ، اما عیوب آن شامل : در دید است و دارای هیچگونه استتاری و اختفایی نمی باشد.

ب - پایگاه های استتاری (تاکتیکی) :

یکی از نیازهای ضروری جنگ چریکی در خلیج فارس پایگاه های تاکتیکی می باشد ، این پایگاه ها در خورها ، جنگل های دریایی و دیگر عوارض ساحلی ایجاد می گردد .

مزایای این پایگاه ها عبارت است از :

الف : تقسیم شناورها و عدم تمرکز نیرو در یک نقطه

ب : استتار نیروها ، شناورها و ... که درون خورها و جنگلهای دریایی که محل تعریف شده برای پایگاه های تاکتیکی می باشد .

ج : انعطاف پذیری این پایگاه ها در زمان نبرد برای تغییر مکان

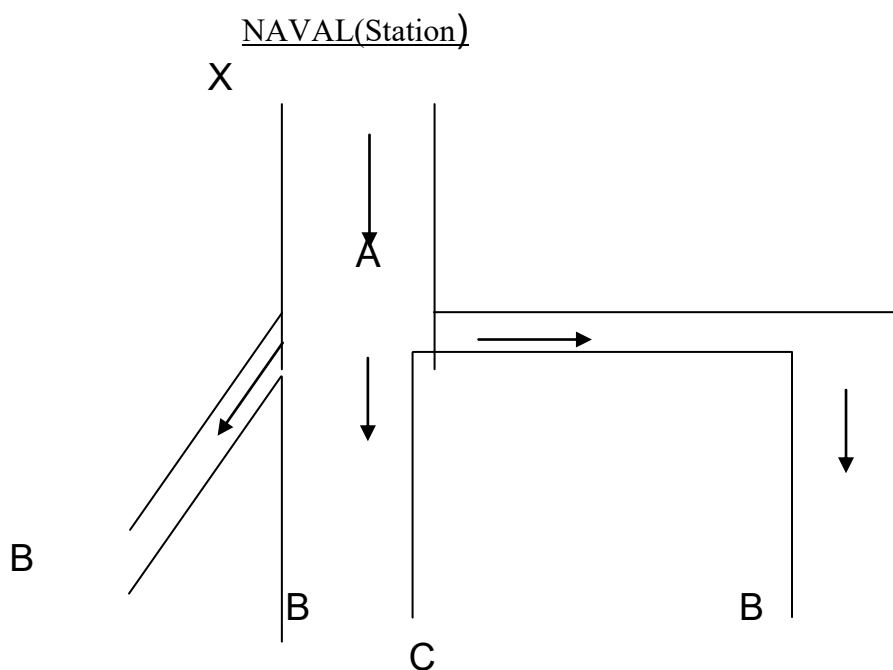
د : توان فریب دشمن بوسیله رفت و آمد به این پایگاه ها برای مخفی ماندن پایگاه های اختفایی و شلترها

اما نکاتی که در مورد این پایگاه ها باید در نظر گرفت :

عمق کم آب در این پایگاه ها نفوذ پذیری شناورهای بزرگ دشمن به پایگاه را غیر ممکن می سازد اما می توان بخاطر عدم نفوذپذیری این پایگاه ها از مین ریزی نیز استفاده کرد ، یعنی از زمانیکه یک پایگاه استتاری تعیین شد می توان دهانه آن را بوسیله میدان مین مسدود کرد و درون این میدان کانال مین روبی شده در نظر گرفت که فقط نیروهای خودی نقشه آن را دارا باشند ، اما نباید از این نکته غافل بود که عبور از کانال مین روبی شده به دقت و تمرینات مناسب نیاز دارد .

مهمتر اینکه این کانالها نباید تک و مستقیم باشد زیرا در این صورت ۲ یا ۳ بار که شناورها از کانالها جهت ورود و یا خروج اقدام کردند بوسیله رادارهای دشمن که همواره در حال Serch سواحل ایرانی می باشند رهگیری و مسیر آنها شناسایی می شود و کانال لو می رود بنابراین ، این کانالها باید چند شاخه و به چپ و به راست باشند و باید از مسیرهای مختلف آن استفاده شود . آنگاه بطور مثال نقطه X-RAY را نقطه ورود به کانال در نظر می گیریم که شناورهای یک ناو گروه (Flotila) همه از این نقطه به کانال وارد می شوند و سپس در نقطه ALFA شناورها از همدیگر جدا می شوند (نقطه تفرقه) آنگاه شناورها تقسیم شده و به گروههای مختلفی تقسیم می شوند و هرکدام از یکی از کانالها راه خود را ادامه می دهد ، آنگاه نقطه B RAVO را در انتهای کانالها در نظر می گیریم و نقطه DELTA را نقطه الحاق تعیین می کنیم که همه شناورها باید تحت فرماندهی ناو گروه قرار گیرند.

نکته : نباید نقطه B و D یکی گرفته شود زیرا نقطه D نقطه ای است که شناورها در آن از همدیگر فاصله دارند و نمی توانند تحت فرماندهی ناوگروه قرار گیرند و فقط آزادی مانور برای الحاق را دارند ، در صورتی که در نقطه B شناورها به همدیگر نزدیک هستند و می توانند در صورتبندی مورد نظر قرار گیرند .(طرحی ساده در ذیل)



از طرف دیگر این پایگاه ها در استتار محدود کننده دید همچون درختان و یا صخره ها و دیگر محدودکننده های دید هستند و هواپیماها نیز نمی توانند به خوبی نقاط آنرا مشخص کنند و یا اگر بخواهند حمله هوایی کنند مجبورند در ارتفاع پایین پرواز کنند که بوسیله توپهای استتار شده دو منظوره مورد پدافند قرار می گیرند این توپها برای دفاع ساحلی و هوایی از پایگاه در نظر گرفته می شوند . (در این زمینه در جنگ عراق و ایالات متحده تجربه خوبی وجود دارد که در بحث توپ بیان می شود)

از طرف دیگر اگر این پایگاه را دشمن مورد هجوم آبخاکی قرار دهد می توان تمام ساحل پایگاه را و تمام کانالهای مین روبی شده پایگاه را مین گذاری (مین شاخکدار) کرد و تمام نیرو و شناورها را از راه خشکی (طبق بحث متحرک سازی نیرو و تجهیزات یا دفاع ساحلی که بحث خواهد شد) انتقال داد و در ساحل نیز نیروهای تفنگدار مستقر کرد .

توجه : در این پایگاه ها به دلیل پایین بودن عمق آب باید همیشه جذر و مد را در نظر گرفت . نکته مهم : در مورد این پایگاه ها می توان گفت فواصل این پایگاه ها در انجام عملیات توسط این پایگاه ها بسیار تأثیر گذار است ، این پایگاه ها باید تقریباً در فواصل یکسان از همدیگر قرار گرفته باشند اگر پایگاه ها به همدیگر نزدیک باشند بخاطر تجمع نیرو ، امکانات و تردد زیاد محل پایگاه مشخص و درصد آسیب پذیری پایگاه بسیار بالا می رود (بطور کلی در نبرد چریکی باید تا میتوان از اصل پراکندگی نیرو و امکانات استفاده کرد)

۱- شناورهای ایرانی کوچک و سرعتی ساخته شده اند و برای مسافت های کوتاه دریانوردی پیش بینی شده اند واز طرفی هرچه فاصله و زمان استتار تا رسیدن به هدف کمتر باشد اصل مهم غافلگیری بهتر رعایت می شود .

ج - پایگاه های اختفایی :

این پایگاه ها علاوه بر استتار بودن ، از حفاظت در برابر آتش دشمن نیز برخوردارند .

این پایگاه ها (Shelter) بوسیله بتون مسلح در زیر کوه های کنار ساحل های مناسب ساخته می شود ابتدا بوسیله تونل زدن فضا ایجاد می شود سپس درون آنرا بتون می کنند سپس آب دریا را به درون می آورند و شناورها بدون نیاز به وسیله خاصی به درون آن می روند .

درون شلتر امکانات جهت رفاه خدمه و تست موتور وجود دارد . بدینوسیله می توان شناورها را از آتش اولیه دشمن حفظ کرد تا زمان حمله فرا رسد .

شاید تصور شود که بر اثر تست موتور شناورها درون محیط پایگاه دوود زیادی جمع شود اما بوسیله تونلهای تهویه و موتورهای بسیار قوی کار گذاشته می شود .

اما اگر سؤال شود که اگر دهانه تهویه بوسیله سلاحهای هدایت شونده نشانه روی شود و سلاح بدرون پایگاه نفوذ کند می توان تونل تهویه را بطور مارپیچ ساخت .

حال اگر سلاحهای شمیایی و میکروبی استفاده شود می توان از فیلتر گذاری استفاده کرد(یکی از کاخها و مراکز کنترل و فرماندهی عراق در زیر دجله و فرات - کتاب سوداگری مرگ نویسنده تیمرمن)
اگر بخواهیم بهترین مکان برای پایگاه اختفایی را در نظر بگیریم می توان خلیج های صخره ای با دیواره بلند را در نظر گرفت زیرا اگر دشمن عمق آب را مناسب ببیند و بخواهد ناوهای خود را به آن وارد کند دچار چند مشکل می شود :

الف : مشکل راداری که از انعکاس بر امواج راداری بر دیواره بطوریکه رادارها نمی توانند تشخیص هدف بدهند و مناسب ترین وقت برای حمله هوایی می باشد ، در نبرد فالکلند همین اشتباه را یک دریا دار انگلیسی کرد که تا ناوها را از خلیج بیرون برد چند ناو مورد حمله هوایی قرار گرفتند .

ب : خلیج برای عملیات آبخاکی مناسب نیست و بسیار خطرناک است .(سواحل از نظر شکلی که با دریا می سازند به ۳ شکل می باشند

۱- ساحل مستقیم : که برای پیاده کردن نیروی آبخاکی بزرگ معمولاً در حد لشکر مناسب می باشند

۲- ساحل مقعر(خلیج): که مناسب ترین ساحل برای پدافند و بدترین محل برای پیاده کردن نیروی آبخاکی

می باشد ۳- ساحل محدب : بهترین ساحل برای آفند و ضعیف ترین محل برای پدافند ساحلی می باشد .

فصل سوم

موشک‌های ضد کشتی

۱. موشک های سطح به هوای شانه پرتاب

۲. پدافند در برابر موشک های ضد کشتی

۱. موشک های سطح به هوای شانه پرتاب:

۱-۱- موشک سهند

موشک شانه سهند در واقع همان موشک روسی 9M32 Strela2 (نام ناتو SA-7 Grail) است که توسط سازمان صنایع دفاع تولید شده است . بنابر این در ذیل به تشریح موشک پایه SA-7 می پردازیم :

توسعه موشک Strela2 از سال ۱۹۵۲ آغاز شد و از اوایل دهه ۱۹۶۰ در ارتش شوروی سابق وارد خدمت شد . این موشک سلاح ساده ای است که بسیار به موشک آمریکایی FIM-43Redeye شباهت دارد و حتی محدودیت های آن نیز مشابه ایت موشک است . مدل اولیه این سلاح با نام روسی 9M32 و نام ناتو SA-7A برای اولین بار در جنگهای شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بصورت عملیاتی مورد استفاده قرار گرفت و موفقیت نسبی خود را به اثبات رساند . اصلی ترین معایب این مدل به شرح زیر می باشد :

- ۱- عدم استفاده از سیستم خنک کننده برای جوینده حرارتی نوع سولفید سرب (در نتیجه جوینده موشک به هنگام تعقیب هدف داغ شده و قادر به تشخیص صحیح هدف نبوده و هدف را گم می نمود .)
- ۲- عدم توانایی تعقیب هواپیماهای بال ثابت از ناحیه عقب به دلیل سرعت کم موشک
- ۳- عدم توانایی درگیری با بالگردها از ناحیه پهلوها
- ۴- تمایل زیاد به تعقیب فریب دهنده های حرارتی
- ۵- نا موثر در برابر هدفهای پر سرعت
- ۶- قدرت تخریب بسیار پایین به دلیل کوچک بودن سرچنگی (سرچنگی موشک تنها در برابر هدفهای کوچک موثر بود)
- ۷- محدودیت سقف پرواز و در نتیجه ناتوانی در برابر هدفهای در حال پرواز در ارتفاع بالا

با توجه به نواقص فوق الذکر نسل دوم این موشک با نام 9M32M (نام ناتو SA-7B) توسعه داده شد که در این مدل یک خنک کننده گاز مایع یا کرایوجنیک (Cryogenic) برای جوینده در نظر گرفته شد و همچنین جهت کاهش اثر فریب دهنده های حرارتی یک فیلتر نیز در جوینده تعبیه شد . سرعت موشک به ۱/۷ ماخ افزایش یافت و سقف پرواز آن نیز به ۴۸۰۰ متر رسید . این موشک توسط چینی ها با نام HN-5 و توسط مصریها با نام Aynnas-Sakr کپی سازی شده است ضمن آنکه مدل مصری به جوینده و سیستمهای الکترونیکی غربی مجهز است که کارایی آنرا بهبود بخشیده است . از سال ۱۹۷۲ این موشک در نیروی دریایی شوروی سابق و کشورهای هم پیمان آن وارد خدمت شد .

مشخصات اصلی این موشک به شرح زیر می باشد :

مدل پیشرفته	مدل اولیه	
طول : ۱/۴۵ متر	طول : ۱/۳ متر	
قطر : ۷۰ میلیمتر	قطر : ۷۰ میلیمتر	
وزن : ۹/۹۷ کیلوگرم	وزن : ۹/۲ کیلوگرم	
سرچنگی : ۲ کیلوگرم انفجار شدید ترکش شونده	سرچنگی : ۱/۱ کیلوگرم RDX	
سرعت : ۱/۷ ماخ	سرعت : ۱/۵ ماخ	
برد : ۵۵۰۰ متر	برد : ۳۶۰۰ متر	
ارتفاع عملکرد : ۴۵۰۰ تا ۱۰	ارتفاع عملکرد : ۴۵ تا ۱۵۰۰ متر	



Egyptian infantry with SA-7 'Grail' shoulder-launched SAMs.

2-1- موشک ونگارد QW-1Vanguard

موشک سطح به هوای شانه پرتابی QW-1 موسوم به ونگارد ساخت شرکت واردات و صادرات ماشینهای دقیق چین (CPMIEC) برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ به نمایش گذاشته شد . این موشک از لحاظ ظاهری بسیار شبیه به موشک آمریکایی استیونگر است اما چینی ها مدعی هستند که کارایی موشک ونگارد فراتر از موشک استیونگر می باشد . این موشک برای جایگزینی با موشک HN-5 (کپی چینی موشک SA-7B) توسعه یافته است . گزارشها حاکی از آن است که جوینده این موشک از نوع تصویر ساز حرارتی دو رنگی با قابلیت اقدامات ضد - ضد الکترونیک مادون قرمز (IRECCM) جهت تشخیص اهداف کاذب

حرارتی است. این موشک می تواند با اهدافی که در ارتفاع بین ۳۰ تا ۴۰۰۰ متر پرواز می کنند درگیر شود.
مهمترین مشخصات این موشک به شرح زیر است:

- ۱- طول: ۱/۵۳ متر
- ۲- قطر بدنه: ۷۰ میلیمتر
- ۳- عرض بال: ۰/۱۴ متر
- ۴- وزن موشک: ۱۶/۵ کیلوگرم
- ۵- سرچنگی: ۳ کیلوگرم انفجار شدید موج زا / ترکش شونده
- ۶- فیوز: ضربه ای
- ۷- هدایت: IRH
- ۸- برد: ۵ کیلومتر



شکل (۲-۳) موشک ونگارد ضد الکترونیک

۲- پدافند در برابر موشکهای ضد کشتی

اقدامات پدافندی در برابر موشکهای ضد کشتی به دو صورت زیر صورت می گیرد :

۱- انهدام نرم (soft kill) با استفاده از اقدامات متقابل الکترونیکی و فریب دهنده ها

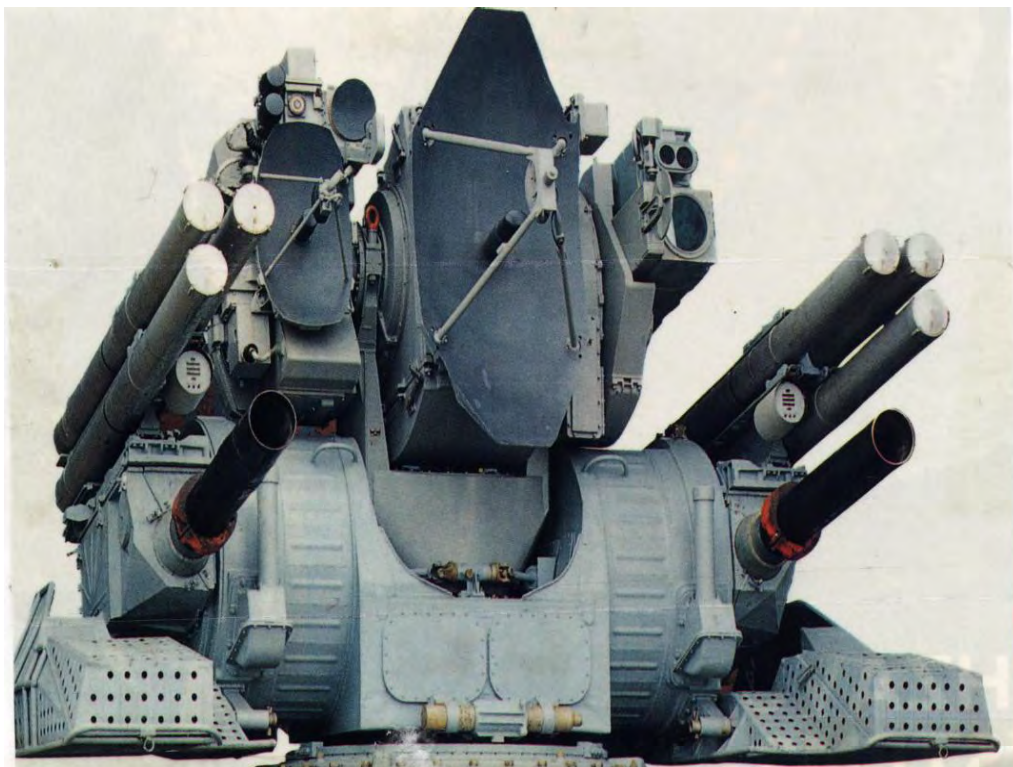
۲- انهدام سخت (hard kill) با استفاده از توپهای شلیک سریع یا موشکهای دفاع نقطه ای

در روش اول با بکارگیری سیستمهای فریب الکترونیکی اقدامات ضد الکترونیکی (ECM) ابتدا جوینده موشک را پارازیت نموده و در فاصله زمانی بین تغییر فرکانس جوینده موشک و روشن شدن مجدد آن فریب دهنده های راداری و حرارتی (باریکه یا Chaff و شراره یا Flare) مقابل موشک قرار داده می شوند تا اینکه احتمالاً موشک روی هدف کاذب قفل نموده و به سوی آن هدایت شود .

در روش دوم بسته به امکانات کشتی مدافع ابتدا موشک مورد نظر توسط موشکهای پدافند هوایی دفاع نقطه ای (Point Defence Missiles) رهگیری و منهدم می گردد و اگر موشک حمله کننده توانست از دیوار دفاعی موشکهای پدافند نقطه ای عبور نماید توسط حصار نهایی (Last Ditch) سیستم دفاعی شناور مدافع که شامل توپهای شلیک سریع خودکار میباشد منهدم خواهد شد و توپهای ولکان فالانکس (Vulcan Phalanx) آمریکایی و گل کیپر (Goalkeeper) هلندی نمونه های از این نوع توپها می باشند و موشک ضد موشک RAM تولید مشترک آمریکا و آلمان نمونه هایی از این سیستمهای پدافند ضد موشکهای ضد کشتی می باشند که تصویر آنها ارائه شده است . روسها نیز یک سیستم ترکیبی از موشک ضد موشک 9M311 و توپ شلیک سریع 2S6M را با نام Kashtan توسعه داده اند و هم اکنون در ناو هواپیمابر



شکل (۳/۳) توپ شلیک سریع گل کیپر



شکل (۴/۳) سیستم ترکیبی توپ و موشک



شکل (۵/۳) سیستم ضد موشک RAM

فصل چهارم

مین های دریای

۱-انواع مین های دریایی

۲-روشهای مین گذاری

۳-روشهای مین رومی

۴-آشنایی با چند مین

۱- انواع مین های دریایی

سابقه تاریخی ایده حمله به آسیب پذیرترین نقاط کشتیها (نقاط زیر خط آب یا waterline) به اواخر قرن پانزدهم میلادی باز می گردد ولیکن اولین نمونه مینهای دریایی در اوایل قرن نوزدهم ارائه شدند . در این زمان Robert Fulton آمریکایی یک خرج انفجاری را که با سیستم بمبهای ساعتی عمل می نمود توسعه داد و با کمک این سیستم Colt Samuel (مخترع طپانچه های Revolver) در سال ۱۸۴۳ یک مین کنترلی را ساخت که با جریان الکتریکی فعال می شد و انفجار آن توسط یک ناظر که در ساحل قرار داشت صورت می گرفت .

در سال ۱۸۴۸ نیز آلمانیها به روشی مشابه مین هایی را توسعه دادند و به کمک آنها از بندر Kiel در برابر یورش ناوگان دانمارک دفاع نمودند . به تدریج مین های تماسی که در اثر برخورد کشتی ها به آنها فعال می شدند ساخته شدند و برای اولین بار در طول جنگهای کریمه (Crimean War) بین سال های ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۶ توسط روسها در برابر ناوگان فرانسه و انگلیس مورد استفاده قرار گرفتند . از اوایل قرن بیستم مین های دریایی بصورت سلاحی سهمگین وارد جنگهای دریایی شدند . در جنگ روسیه و ژاپن (در سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵) مین ها برای اولین بار بصورت گسترده ای وارد صحنه عملیات شدند و در نتیجه آن روسها یک نبرد ناو ، یک رزم ناو ، دو ناوشکن و دو شناور کوچکتر از دست دادند در حالیکه تلفات ژاپنی ها در اثر برخورد به مین عبارت بود از دو نبرد ناو ، چهار رزم ناو ، دو ناوشکن ، یک قایق اژدر انداز و یک شناور مین مینهای دریایی از لحاظ نحوه قرارگیری درون آب به چهار دسته عمده تقسیم بندی می شوند که عبارتند از

الف- مین شناور Floating Mine

ب- مین عمقی Ground Mine

ج- مین لنگر دار یا غوطه ور Moored or Buoyant Mine

د- مین متحرک Rising Mine

رایج ترین مین های دریایی مین های لنگر دار هستند که سابقه تاریخی آنها نیز از سایر انواع مین های دریایی بیشتر است و در طول جنگهای جهانی اول و دوم بصورت گسترده ای استفاده شدند . مین لنگردار از لحاظ ظاهری همانند یک توپ بزرگ است که داخل آن پر از مواد منفجره شده است . مین به واقع ساده ترین و ارزانتترین سلاح دریایی است و در عین حال یکی از موثرترین سلاحهای دریایی است زیرا کشف آن برای دشمن همیشه مشکل بوده و برای خنثی سازی اش دشمن باید هزینه ، انرژی و زمان زیادی را صرف نماید . در ضمن به این دلیل که سرعت امواج انفجاری درون آب سه برابر فضای بیرون است تخریب ناشی از انفجار مقدار برابری از مواد منفجره که درون آب منفجر می گردد چند برابر میزان تخریب در فضای بیرون آب می باشد و بر همین اساس مینهای دریایی سلاح بسیار موثری می باشند که به راحتی و با هزینه کم می

توان به کمک آنها به دشمن آسیب جدی رساند. تنها قطعه حساس و پیچیده مین به خصوص مین های پیشرفته مکانیزم فیوز یا ماسوره مین است که وجود شناورها را حس نموده و مواد منفجره داخل مین را منفجره می نماید. انواع اولیه مین های لنگردار مجهز به فیوزهای ضربه ای (Impact Fuze) بسیار ساده ای بودند که شامل مقداری اسید بود که درون یک لوله شیشه قرار داشت که در صورت برخورد به کشتی این لوله شکسته و با واکنش شیمیایی آب و اسید حرارت ایجاد شده و حرارت بوجود آمده چاشنی را فعال نموده و زنجیره آتش شکل گرفته و در نتیجه مواد منفجره اصلی درون مین منفجر می گردید. به تدریج فیوزهای تماسی (Contact Fuze) ابداع و بکار گرفته شدند. این نوع فیوز عبارت بود از یک سری شاخکهای فلزی که دارای بار الکتریکی ثابتی بودند و در صورت تماس با بدنه کشتی یا زیردریایی ها بار الکتریکی موجود تخلیه می شد و اختلاف پتانسیل بین دو سر شاخک سبب به حرکت در آمدن الکترونها شده و در نتیجه چاشنی الکتریکی مین عمل می نمود.

در طول جنگ جهانی دوم به تدریج سه نوع فیوز دیگر توسط آلمانیها ابداع شدند که فیوز مین های امروزی نیز بر اساس اصول این فیوزها کار می کنند. در فیوز نوع اول که فیوز مغناطیسی (Magnetic Fuze) نامیده می شود اساس کار فیوز حس کردن مشخصه مغناطیسی هدف است و از آنجاییکه بدنه تمامی شناورهای فلزی حاوی مغناطیس پایدار است این نوع فیوز بسیار موثر می باشد. سپس فیوز های صوتی (Acoustic Fuze) که توسط امواج صوتی منتشر شده از شناورها درون آب فعال می شدند در مینهای آلمانی نصب شدند و در نهایت فیوزهای فشاری (Pressure Fuze) تقریباً در اواخر جنگ ارائه گردیدند. این نوع فیوز مجهز به یک صفحه هیدروستاتیک بسیار حساس است که تغییر فشار ناشی از حرکت شناورها از بالای مین را حس نموده و زنجیره آتش خرج مین را فعال می نماید.

مین های لنگردار پس از پرتاب درون آب تا حدی به داخل آن نفوذ کرده و قسمت اصلی از قسمت لنگر یا وزنه جدا شده و در نهایت به اندازه کابل سیمی این دو قسمت از هم فاصله گرفته و مین در عمق تنظیم شده غوطه می شود. مینهای لنگردار معمولاً در عمق کم بسته به میزان آبخور کشتی هدف قرار میگیرند و به همین دلیل در زمان انفجار آسیب زیادی به هدف وارد می نمایند. (مین زیر یک مین لنگر دار شناور در سطح آب است).



شکل (۱/۴) یک مین لنگر دار در سطح آب

مین های عمقی از لحاظ شکل ظاهری بصورت استوانه ای شکل می باشند و پس از پرتاب در بستر دریا قرار می گیرند و در این مین ها تنها می توان از فیوزهای تاثیری (Influence Fuze) شامل فیوزهای مغناطیسی ، صوتی و فشاری استفاده نمود و در عمل بهره گیری از فیوزهای ضربه ای و تماسی غیر ممکن می باشد .

نوع دیگر مین های دریایی مینهای شناور (Floating Mine) می باشند که پس از پرتاب بصورت شناور در سطح آب باقی می مانند . از آنجاییکه این نوع مین با جریان آب حرکت می نماید ممکن است که در مسیر خطوط کشتیرانی تجاری کشورهای بی طرف نیز قرار گرفته و امنیت آنها را تهدید نمایند بکارگیری این نوع مین طبق قوانین بین المللی ممنوع است .

و در نهایت امروزه شکل جدیدی از مین های دریایی ارائه شده که قابلیت تحرک دارند . بعضی از این نوع مین های همانند مین های عمقی در بستر دریا قرار گرفته و پس از احساس هدف به سمت آن حرکت کرده و در مجاورت آن منفجر می شوند . در واقع این نوع مین منتظر هدف نمی ماند بلکه به سمت آن حمله می



شکل (۲/۴) مین گذاری مینهای لنگردار در یک سیستم دفاع ساحلی

نماید .

مین های روسی PMK-1 نمونه ای از این نوع مین است که با استفاده از یک موتور راکتی به سمت هدف حرکت می کند . در نوع دیگر این مین ها همانند یک اژدر عمل می نمایند و پس از پرتاب از لوله اژدر زیردریایی به سمت منطقه مورد نظر حرکت نموده و در محل همانند یک مین عمقی قرار گرفته و فیوز یا فیوزهای خود را فعال می نمایند . مین های روسی S MDM-1 با برد ۱۰ مایل دریایی و SMDM-2 با برد ۲۵ مایل دریایی نمونه ای از این نوع مین می باشند . این نوع مین برای مین گذاری کانالهای باریک و مناطقی که مین گذاری آنها مشکل است طراحی شده اند . و در نهایت نوعی مین با نام C APTOR توسط آمریکایی ها توسعه یافته است که پس از پرتاب خود را به بستر دریا رسانده و با استفاده از یک مته که در انتهای آن نسب شده بستر را سوراخ نموده و خود را درون آن مخفی می نماید . داخل مین یک اژدر مارک ۴۶ قرار داده شده است که پس از حس نمودن هدف توسط فیوز مین ، اژدر بسوی هدف پرتاب می شود .

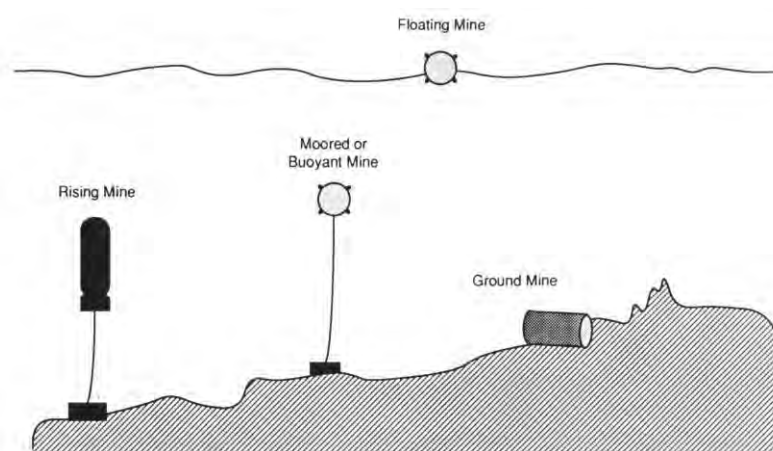
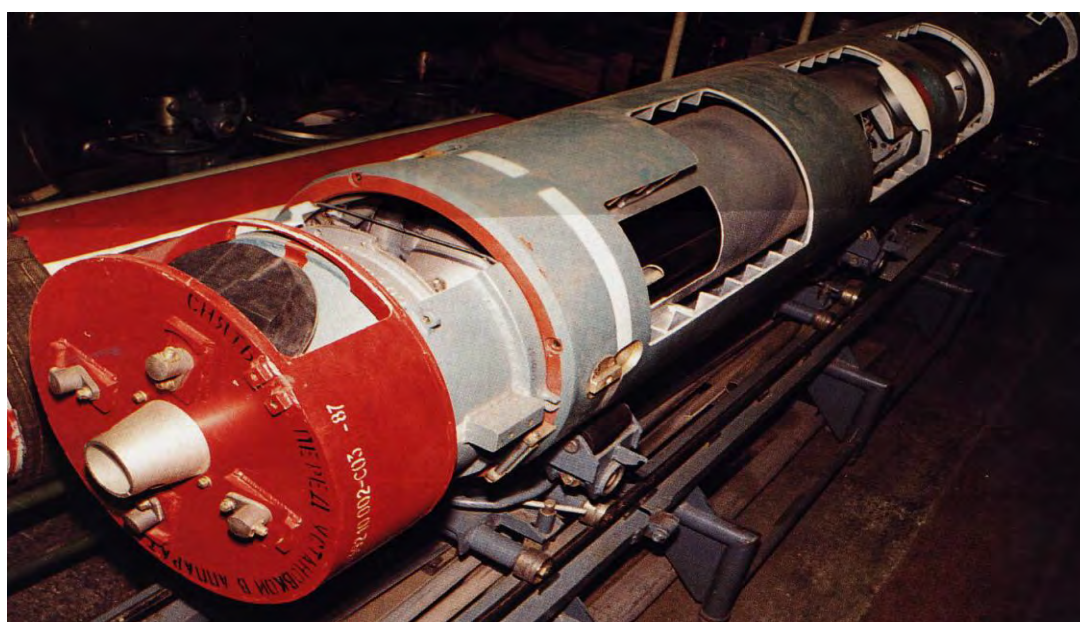


FIG. 8.1 Different Types of Mine

شکل (۳/۴) انواع مین بر اساس نوع قرارگیری درون آب



شکل (۴/۴) مین روسی SMDM-2



شکل (۵/۴) مین متحرک روسی PMK-1

۲- روشهای مین گذاری

مین گذاری با دو هدف کلی صورت می گیرد که عبارتند از :

الف- مین گذاری پدافندی Defensive Minelaying

ب- مین گذاری آفندی Offensive Minelaying

مین گذاری آفندی مورد توجه ترین جنبه رزم مین است . در این روش مینها در ورودی بنادر ، لنگرگاهها ، خورها ، آبراهها ، تنگه ها ، کانالها و هر جای دیگری که شناورهای دشمن تردد می نمایند و یا احتمالا عبور

خواهند کرد کار گذاشته می شوند تا به این ترتیب بهره گیری دشمن از دریا متوقف گردد . هدف اصلی از مین گذاری آفندی آن است که تدارک و پشتیبانی دشمن از طریق دریافت سوخت ، مهمات ، مواد خام ، مواد غذایی و سایر ملزومات از راه دریا غیر ممکن شده و یا با تهدید مواجه شود .

اما در روش مین گذاری پدافندی ورودی بنادر و آبراههای خودی مین گذاری می شود تا از ورود دشمن جلوگیری شود . برای این میدانهای مین گذرکاههای ایمن از پیش برنامه ریزی شده در نظر گرفته می شود تا شناورهای خودی به سلامت عبور نمایند . هدف اصلی از ایجاد این نوع میدانهای مین دفاعی آن است که از پیاده شدن نیروهای پیاده دشمن طی یک عملیات آبخاکی جلوگیری گردد .

برای مین گذاری از روشها و یگانهای مختلفی استفاده می شود . رایج ترین روش مین گذاری استفاده از شناورهای ویژه مین گذار (Minelayer Ship) که از قسمت پاشنه شناور مینها به داخل آب رها می شوند . برای آنکه مین گذاری بطور مخفیانه صورت گیرد معمولا از شناورهای تجاری و قایق های کوچک نیز خصوصا در طول شب می توان استفاده نمود .



شکل (۶/۴) مین گذاری یک مین عمقی با استفاده از یک کشتی معمولی



شکل (۷/۴) پرتاب مین های عمقی از ریلهای پرتاب مین یک شناور مین گذار

۳- روشهای مین روبی

در طول جنگ جهانی دوم در مجموع حدود ۵۰۰۰۰۰ مین کار گذاشته شد و تلفات کشتیها ناشی از برخورد به این مین ها از تلفات ایجاد شده از هر سلاح دیگر بیشتر بود. در طول جنگ کره نیز عملیات پیاده شدن نیروهای آمریکایی در Inchon به علت مین گذاری این منطقه توسط نیروهای کره شمالی با شکست مواجه شد. بار دیگر در جنگ ویتنام آمریکایی ها با کار گذاشتن فقط ۳۶ مین هواپرتاب توانستند بندر Hyphong را به طور موثری مسدود نموده و عملیات تدارکاتی را برای ۳۰۰ روز متوقف نمایند. در طول جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ ابتدا تخمین زده می شد که عراقی ها اطراف کویت و الشعیبه را با ۱۲۰۰ مین، مین گذاری کرده اند که بعد ارقام رسمی نشان داد که نزدیک به ۲۵۰۰ مین در این مناطق وجود دارد و شناورهای مین روب انگلیسی توانستند فقط ۲۰۰ مین از این تعداد را خنثی کرده و ۱۰۰۰ مین را شناسایی نمایند.

مقدمه فوق تنها گوشه ای از اهمیت عملیات رزم مین و لزوم اجرای فرآیند مین روبی را نشان می دهد. خنثی سازی مین یا اقدامات ضد مین (MCM-Mine Counter Measures) را می توان چنین تعریف نمود :

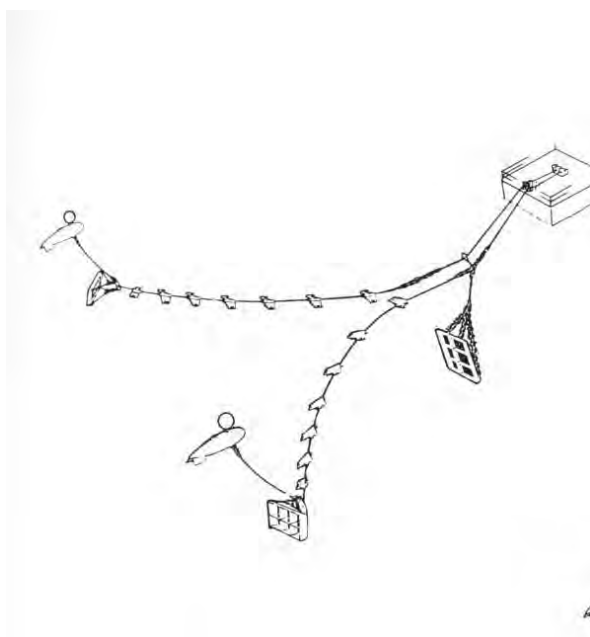
MCM یا اقدامات ضد مین عبارت است از هر تکنیک یا فرآیندی که برای مقابله با مینها یا تهدید مین ها بکار گرفته می شود. در مجموع MCM به دو روش کلی مین روبی (Minesweeping) و مین شکار (MineHunting) صورت می گیرد و مین روبی نیز خود عبارت از دو روش مین روبی مکانیکی (Mechanical Minesweeping) و مین روبی تأثیری (Influence Minesweeping) می باشد. مین روبی مکانیکی برای خنثی سازی مین های لنگردار مورد استفاده قرار می گیرد و روش اجرای آن از زمان جنگ جهانی اول تا کنون تغییر چندانی نداشته است. در این روش یک یا دو سیم فلزی از پاشنه

شناور به داخل آب رها می شود و این سیمها انتهایشان به یک شناور (Float) متصل است که به این ترتیب عمق غوطه وری سیمها تنظیم می شود . برای آنکه دو سیم از هم فاصله بگیرند و همچنین هر رشته سیم محکم درون آب کشیده شود از ابزارهای قابی شکل که درون آنها پره های افقی و عمودی دارای زاویه خاصی هستند استفاده می شود که Diverter و Depressor نامیده می شوند . در طول سیمها نیز قیچی های ثابتی (Fixed Cutter) تعبیه شده که در دو نوع مکانیکی و انفجاری موجود می باشند . به هنگام اجرای مین رویی به این روش سیم نگهدارنده مین های لنگردار توسط قیچی های سیم مین روب بریده شده و مین رها می گردد و پس از رهایی روی سطح آب شناور می شود .

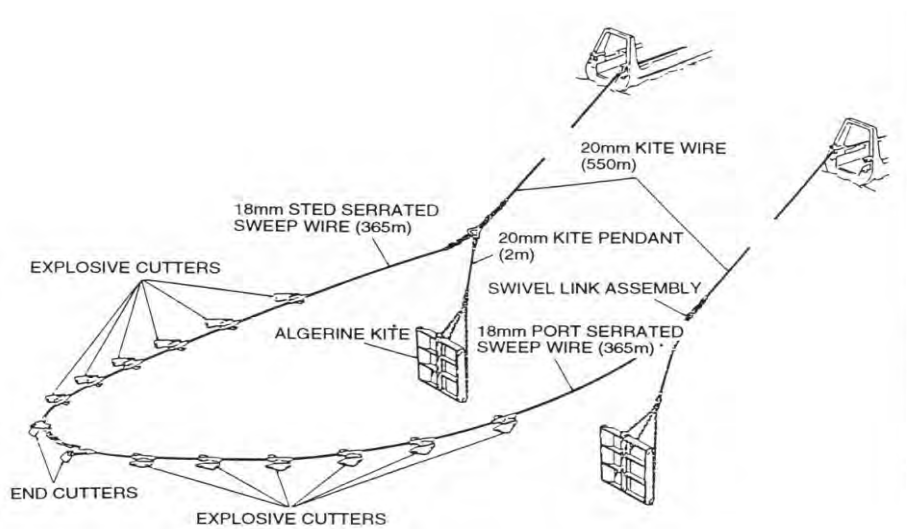
این مین ها پس از غوطه ور شدن با شلیک توپهای کالیبر کوچک موجود در شناور مین روب هدف قرار گرفته و منفجر می شوند . تجربه عملیتهای مین رویی نشان داده است که خنثی سازی مین های شناور با شلیک توپ چندان روش موثر و ایمنی نمی باشد زیرا گاهی اوقات انفجار مین موجب وارد آمدن خسارت به شناور مین روب می شود و در برخی موارد نیز با سوراخ شدن بدنه مین آب به درون آن وارد شده و مین پس از سنگین شدن دوباره به درون آب رفته و با قرار گیری در بستر آب در صورتی که مین مجهز به فیوزهای تأثیری باشد (صوتی ، فشاری ، و مغناطیسی) ، مجدداً تهدید مین وجود داشته و این بار یک مین عمقی فراهم شده که می تواند امنیت کشتیها را تهدید نماید . برای رفع این مشکل امروزه شناورهای بدون سرنشین کنترل از راه دور ارائه شده که مین های شناور را از شناور مین روب دور نموده و در منطقه ای امن با دریافت دستور از سیستم کنترل مواد منفجره داخل آن منفجر شده و مین را خنثی می نماید . در شکلهای ۲/۹ و ۲/۱۰ تصاویر تجهیزات مین رویی یک رشته ای و دو رشته ای نشان داده شده اند .

یکی دیگر از روشهای مین رویی روش مین رویی تأثیری است که در این روش با توجه به نوع فیوز مین یک خنثی ساز که عامل تحریک کننده مین را درون آب ایجاد می نماید به داخل آب رها شده و از پاشنه شناور مین روب یدک کشیده می شود . به این ترتیب برای خنثی سازی مینهای صوتی از صدا ساز (Noise Maker) ، برای خنثی سازی مین های مغناطیسی از یک رشته سیم حاوی جریان الکتریسیته که میدان مغناطیسی مورد نیاز را درون آب ایجاد می کند و برای خنثی سازی مین های دارای فیوزهای حساس به تغییر فشار آب از شناورهای بدون سرنشین کنترل از راه دور و یا یدک شونده و یا خنثی سازهای فشاری استفاده می شود . در ضمن لازم به ذکر است که مین های پیشرفته امروزی معمولاً از فیوزهای تأثیری ترکیبی استفاده می کنند که برای خنثی سازی این مینها باید هر سه روش مین رویی تأثیری را همزمان بکار گرفت . از آنجاییکه بعضی از مینها دارای مقادیر زیادی مواد منفجره هستند خنثی سازی آنها به این روش ممکن است خطراتی برای شناور مین روب در پی داشته باشد . لذا امروزه از شناورهای بدون سرنشین ویژه ای که مجهز به وسایل مین رویی بوده و عمل مین رویی با ارسال دستورات لازم از فواصل دور از یگان مادر صورت می گیرد استفاده می شود . شناورهای SAM1 نمونه ای از این نوع می باشند . در ضمن برای

اجرای موفق و ایمن مین روبی از بالگردهای ویژه مین روب نیز می توان بهره گرفت که بالگردهای MH-53 Sea Dragon نمونه ای از آن می باشند .



شکل (۸/۴) تجهیزات مین روبی یک رشته ای



شکل (۹/۴) تجهیزات مین روبی دو رشته ای



شکل (۱۰/۴) نمونه ای از صداسازهای مین روب



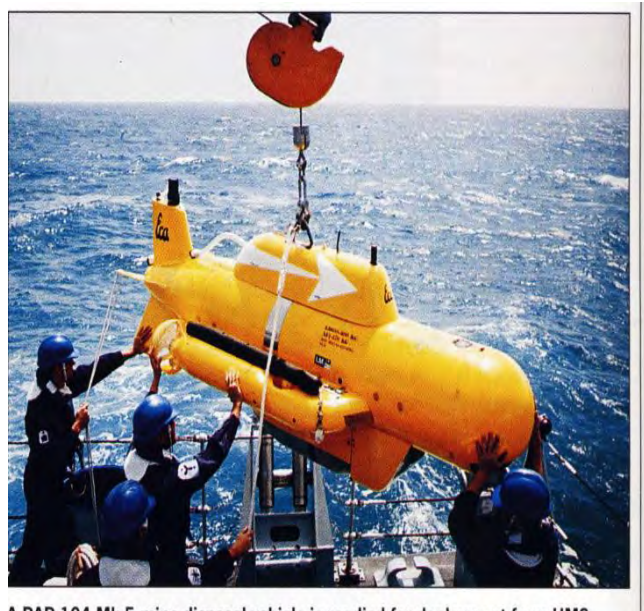
شکل (۱۱/۴) شناور مین روب کنترل از راه دور SAM1

روش مین روبی چه مکانیکی و چه تأثیری از یک عیب دیگر نیز برخوردار است . از لحظه ای که تجهیزات مین روبی به داخل آب رها می شوند شناور مین روب باید سرعت خود را تا حد قابل ملاحظه ای که بین ۸ تا ۱۲ گره می باشد کاهش دهد و قدرت مانور شناور نیز تا حد زیادی کاهش می یابد . این امر باعث می شود که شناور در برابر سایر اقدامات تهاجمی دشمن بسیار آسیب پذیر گردد .

از حدود سال ۱۹۷۰ روش جدیدی با عنوان مین شکار (Mine Hunting) برای خنثی سازی مین ها ابداع گردید و شناورهای خاص این روش نیز توسعه یافتند . در این روش مینها ابتدا توسط سونارهای مین یاب موجود در شناور کشف می شوند و سپس غواصان گروه تخریب زیر آبی یا (UDT Demolition Team) که برای این روش آموزشهای خاص را فرا گرفته اند جهت شناسایی دقیق مین به درون آب غوص می نمایند . پس از شناسایی مین در صورتی که مین لنگردار باشد سیم نگهدارنده آن را قطع نموده و پس از شناور شدن مین با خنثی کردن فیوز آن ، مین را خنثی می نمایند و در صورتی که مین عمقی باشد با قرار دادن بمبهای تاخیری در مجاورت مین و انفجار بمب آن را خنثی می کنند . این

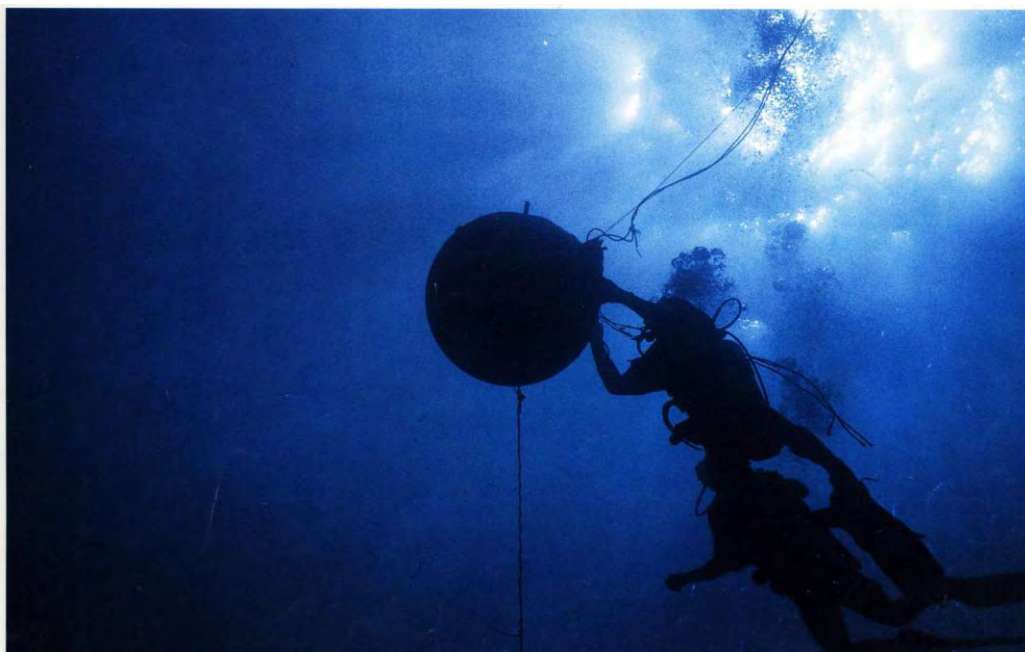
روش برای خنثی کردن مینهای عمقی که در عمقهای کم تا متوسط قرار گرفته اند مناسب است ولیکن با ظهور مین های عمقی که در عمقهای زیاد تا حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری قرار داده می شوند دسترسی غواصان به آنها به دلیل محدودیتهای فیزیولوژیکی بدن انسان در عمقهای زیاد غیر ممکن شده است . در ضمن به دلیل استفاده از بدنه های پلاستیکی کشف این مین ها توسط سونارهای نصب شده در بدنه شناورها نیز مشکل و تا حدی غیر ممکن شده است .

جهت رفع این مشکل امروزه سونارهای متحرک کنترل از راه دور که جلوتر از شناور حامل و در عمق مطلوب حرکت می کنند به منظور کشف مینها ارائه شده اند . همچنین زیردریایی های کوچک کنترل از راه دور به نام ROV (Remotely Operated Vehicle) توسعه یافته اند که ضمن کشف و شناسایی مینها می توانند با کار گذاشتن بمبهای عمقی تاخیری آنها را خنثی نمایند .



A DAB 104 MLE mine disposal vehicle is readied for deployment from HMS

شکل (۱۲/۴) نمونه هایی از سونارهای متحرک کنترل از راه دور ویژه کشف و شناسایی مین ها در روش مین شکار



شکل (۱۳/۴) غواصان گروه تخریب زیرآبی در حال شناسایی و قطع نمودن سیم یک مین لنگردار



شکل (۱۴/۴) غواصان گروه تخریب زیرآبی در حال خنثی نمودن فیوزهای یک مین لنگردار

۴- آشنایی با چند مین

در جدول زیر برای آشنایی با مشخصات اصلی مینهای دریایی ویژگیهای چند مین پیشرفته ارائه شده است :

وزن مواد منفجره	وزن (Kg)	ابعاد (میلیمتر)	عمر خدمتی	عمق عملیاتی	پرتاب کننده	کشور سازنده	نام مین
۱۸۰-۱۵۰	۲۲۵	۹۸۰*۴۷۰	نامعلوم	۲/۵-۱۰۰	کشتی - هواپیما	ایتالیا	Manta
۲۰۰	۸۷۰	۶۶۰*۱۵۶۰	بیش از ۳۰ سال	نامعلوم	کشتی - هواپیما و زیردریایی	ایتالیا	Seppia
۵۵۰	۷۷۰	۵۳۳*۱۸۰۰	نامعلوم	۱۰-۲۰۰	کشتی - هواپیما و زیردریایی	بریتانیا	Stonefish
نامعلوم	۹۰۰	۴۶۰*۳۸۰۰	نامعلوم	۱۰۰	هواپیما	آمریکا	Mk64
نامعلوم	۹۰۸	۵۳۳*۳۲۵۰	نامعلوم	۱۰۰	هواپیما	آمریکا	Mk65
۳۰۰	۱۸۵۰	۵۳۳*۷۸۳۰	نامعلوم	نامعلوم	زیردریایی	روسیه	PMK-1
۴۸۰	۱۹۸۰	طول ۷۹۰۰	۲-۱ سال	۴-۱۵۰	زیردریایی	روسیه	SMDM-1
۱۵۰۰	۱۴۷۰	طول ۳۰۵۵ ۲۴۰۰	بیش از ۱ سال	۸-۳۰۰	کشتی-هواپیما	روسیه	MDM-5
۳۷۸	۶۳۵-۵۲۵	طول ۱۵۸۰-۱۵۲۵	بیش از ۱ سال	۸-۵۰	کشتی-هواپیما	روسیه	MDM-3
۸۰۰	۵۵۰۰	طول ۱۱۰۰۰	۲-۱ سال	۴-۱۵۰	زیردریایی	روسیه	SMD-2



شکل (۱۵/۴) انفجار مین

فصل پنجم

اطلاعاتی پیرامون عملکرد قایق های تندرو در جنگ دریایی

۱. مقدمه

۲. جنگ جهانی دوم – ژاپن و آمریکا

۳. نبرد خلیج فارس

۴. مشکلات و محدودیت های ناوهای جنگی

مقدمه

با نگاهی به تاریخ جنگ های دریایی صده اخیر متوجه می شویم که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق این جنگ ها را ناوها و یگانها بزرگ جنگی انجام داده اند و در این بین اسم و رسمی از شناورهای کوچک تندرو در میان نیست. لیکن موارد استثنایی و نادری هم در گوشه و کنار این وقایع به چشم می خورد که از قواره این گونه جنگ ها خارج شده و یکی از طرفین نبرد اقدام به استفاده از شناورهای کوچک بر علیه ناوهای عظیم و غول پیکر و مجهز نموده است.

بارزترین نمونه ای را که می توان ذکر کرد در جنگ جهانی دوم توسط ژاپنی ها در اواخر جنگ بر علیه ناوگان امریکایی و نیز جنگ ویتنام و کره و جدیدترین آنها در نبرد خلیج فارس توسط قایق های توپدار ایرانی می باشد.

ما در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام فقط اشاره به یک نمونه تاریخی یعنی جنگ ژاپن بر علیه ناوگان امریکا در اقیانوس کبیر می نماییم و سپس شمه ای از عملکرد قایق های تندرو و اظهار نظر های خارجی مربوط را متذکر می شویم.

۱. جنگ جهانی دوم = ژاپن و امریکا سال ۱۹۴۵

پس از شکست قطعی المان در جنگ جهانی دوم، ژاپن که هنوز اعتقادی به شکست خود نداشت توسط امریکا مورد حمله شدید هوایی و دریایی قرار گرفت و در این راستا زمانی که با حملات شدید امریکایی ها توان رزمی ژاپن شکسته شد و ژاپن از رویارویی مستقیم با قوای متفقین مایوس گردید فرماندهان ژاپن پس از ضربه ای که در ۸ مارس ۱۹۴۵ متحمل

شدند اجرای نقشه (تن) را پیشنهاد نمودند که عبارت از دفاع با فاصله نزدیک بود.

این طرح شامل خط دفاعی جدید یعنی فرموزو شانگهای بود که در صورت شکست این خط می بایست حداکثر تلفات ممکنه را به دشمن بزنند و لذا تمام امید ژاپنی ها با تکتیک کامی کازی ها یا کامی کالینها به معنی باد جاودانی الهی معطوف گردید.

دقیقاً نمی توان ثابت نمود این ایده از چه موقعی در ژاپنی ها بوجود آمد ولی پس از جنگ ژاپنی ها متوجه شدند که هواپیماهای امریکایی از هواپیماهای آنها بیشتر و پیشرفته تر می باشد بنابراین فقط یک عملیات متهورانه و خارق العاده ممکن بود ژاپن را نجات دهد.

در روز ۱۵ اکتبر ۱۹۴۵ دریادار اریما فرمانده بیست و ششمین گروه هواپیماهای ژاپنی با زدن هواپیماهای خود به ناو امریکایی و عملیات انتحاری سرمشق خلبانان شدند

در همین راستا نیروی دریایی ژاپن نیز به تعلیمات کاشیو یا دریای الهی دست زدند که عبارت بود از قایق های کوچکی حامل مواد منفجره که داوطلبان عملیات انتحاری آن را هدایت می کردند

سلاحهای مخصوص به صورت یک واحد بخصوص در آمدند و نام آنها توکوکو بود و تشکیل نیرویی به نام نیروی مخصوص حمله را دادند و در اوایل اوریل ادمیرال توجودو این پیام را مخابره نمود [تمام نیروی دریایی باید به صورت یک واحد خودکشی در بیایند]

این عملیاتها اگر چه نتوانست ژاپن را از سقوط نجات بدهد ولی نمونه ای بود از روحیه نظامی و وطن پرستی برای تمام ملل دنیا که توانست علاوه بر اینکه ترس فراوانی را در دل آمریکاییها بیفکند خسارات زیادی نیز به ناوگان آمریکاییها وارد نماید هر چند اگر ژاپنی ها در این عملیاتها منفجره قوی تری بکار می بردند خسارات بیشتری به آنها وارد می ساختند.

۲. نبرد خلیج فارس:

در زمانی که دامنه جنگ ایران و عراق به طور گسترده و به شکل جنگ نفت کش ها به خلیج فارس کشیده شد و این امر توسط عراق شروع گردید نیروی دریایی آمریکا به بهانه ایجاد امنیت در خلیج فارس وارد شد لیکن به گفته همه صاحب نظران و مطبوعات ورود آمریکا و دخالت نظامی او در خلیج فارس علاوه بر اینکه بحران خلیج فارس را بهبود نبخشید بلکه دامنه آن را گسترده نمود روش آمریکا در جهت گیری به نفع عراق در کنگره آمریکا و در میان متحدین آمریکا هم با انتقاداتی روبرو شد و از آن جمله اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که حضور ناوگان آمریکا و کشورهای عضو ناتو در خلیج فارس برای حمایت از عراق و متحدین عراق یعنی کویتیهها،سعودیهها وامیران نفتی

خلیج فارس است و برای دفاع از آزادی کشتیرانی در این آبراه.ولی دولت آمریکا بی درنگ در مقابل اظهارات رابین واکنش نشان داد و در یک مصاحبه رسمی که روز ۳۱ اکتبر(نهم آبان ماه ۱۳۶۶)از صدای آمریکا پخش شد اهداف چهارگانه آمریکا در خلیج فارس را بشرح زیر اعلام گردید

۱.تامین جریان نفت و حمایت از آزادی کشتیرانی در خلیج فارس

۲.جلوگیری از توسعه طلبی شوروی

۳.پایان دادن به جنگ ایران و عراق بر اساس قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد

در همین راستا بود که جمهوری اسلامی ایران نیز در پی احقاق حقوق مسلم و تثبیت حاکمیت خود بر آبهای نیلگون خلیج فارس و استفاده از آزادی کشتیرانی و حق صدور نفت و دفع تجاوز آمریکا اقدام به عملیاتی در جواب شرارتهای آمریکا و رژیم بعثی عراق نمود که عمده آنها توسط قایقهای توپدار و عملیات مین ریزی بوده است .

موضوع قایقهای توپدار در واقع از بعد از عملیات والفجر ۸ در بهمن ماه ۱۳۶۴ در عملیات همزمان بر روی سکوهای نفتی البکر و الامیه عراق توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شکل گرفت و می توان گفت این اولین کار و عملیات مستقل اینگونه قایقها بود لیکن مسئله قایقهای توپدار به همین جا ختم نگردیدو به مرور

این شناورهای کوچک تندرو تکامل بیشتری یافت و با استفاده از سلاحهای مدرن تر و مناسب تر قدرت رزمی آنها بیشتر گردید.

رزمندگان نیروی دریایی در کنار تکامل اینگونه قایقها با انجام عملیات های مختلف دریایی از جمله تصرف سکوی الامیه و چند عملیات ایدائی دیگر بر تجربیات خود افزودند و بالاخره اوج قدرت نمائی قایقهای توپدار تندرو در روز ۶۶/۵/۱۳ در مانور شهادت به نمایش گذاشته شد و در این مانور رزمندگان ما به سیل عظیم قایق های تندرو مجهز به راکت، توپ، موشک هدایت شونده، قایق های انتحاری لرزه بر اندام آمریکا افکندند.

۴. مشکلات و محدودیت های ناوهای جنگی:

بدنه های سبک و نازک درصد آسیب پذیری شناور را در مقابل برخورد گلوله احتمالی به نسبت زیادی بالا برده است. انهدام ناو انگلیسی در جنگ فالکلند این گفته را تایید می کند.

پیشرفت تکنولوژی و رقابت تسلیحاتی ناوهای جنگی امروزی را مبدل به یک هدف کاملاً حساس و آسیب پذیر از نظر (وجود انواع سیستمهای کامپیوتری نموده است، بطوری که یک ناو پیشرفته امروزی مثل وینسنس مملو و آکنده از دستگاههای پیچیده هدایت، کشف، رهگیری و دفاعی و آفندی می باشد و این خود از جهتی اصل سادگی در اصول جنگ را نقض می کند

مسئله نگهداری سیستمهای یاد شده احتیاج به نفرات آموزش دیده بسیاری دارد که این موجب هزینه، وقت و شلوغی بیش از حد روی یگان می گردد.

بکارگیری و کاربری سلاحها و سیستمهای روی ناوها به علت پیچیدگی فراوان مستلزم دقت فراوان و صرف هزینه و زیادی برای آموزش پرسنل می باشد. وقت به علت ارتباط همه سیستمها از جهت حداقل مولد نیرو به یکدیگر و نیز حساس بودن آنها به محض بروز حادثه ای امکان مختل شدن همه سلاحها و سیستمها در ناوهای کنونی بعید نمی باشد.

از آنجایی که هیچ ناوی نمی تواند و اصولاً مقرون به صرفه نیست که جامعه همه مقدرات جنگی و دفاعی باشد لذا همیشه یک ناو به تنهایی از جهات بسیاری ضربه پذیر می باشد.

فصل ششم:

هواپیماهای بدون سرنشین و کاربرد آنها در جنگ چریکی دریایی

۱. تاریخچه

۲. هواپیماهای بدون سرنشین ایران و قابلیت های آن

۳. عملیاتی کردن RPV در خلیج فارس توسط ایران

۴. سایت و چگونگی استفاده از پهباد در خلیج فارس توسط ایران

۵. عملیات فریب و ایجاد NOISE و اختلال در رادار دشمن

۶. تمرین یگانهای شناور در پدافند هوایی عامل

هواپیماهای بدون سرنشین و کاربرد آنها در جنگ چریکی دریایی :

۱. تاریخچه :

خطرات استفاده از هواپیماهای سرنشین دار ، در مأموریت‌های شناسایی بر فراز خاک دشمن ، زمانی آشکار گردید که در سال ۱۹۶۰ در اثر اصابت موشکی بر فراز خاک شوروی ، یک خلبان U-2 به اسارت درآمد . در حادثه ای دیگر، یک خلبان U-2 در بحران موشکی کوبا کشته شد . به منظور حداقل رساندن این خطرات ، شرکت تله داین رایان اصلاحات اساسی در هواپیماهای بدون سرنشین فایربری برای ایجاد توانایی پرواز خودکار ، قابلیت پیش برنامه ریزی و مأموریت‌های شناسایی دوربرد انجام داد . نتیجه این اصلاحات، ساخت ۲۸ نوع گوناگون برای انجام مأموریت‌های فریب دادن و عملیات اکتشافی در خاک دشمن بود . طی جنگ ویتنام بیش از ۱۰۰۰ هواپیمای بدون سرنشین تله داین رایان ، تعداد ۳۴۳۵ مأموریت انجام دادند و طی این مأموریتها ۱۴۰۰ مایل را پیمودند و بدین ترتیب جان هیچ خلبانی به مخاطره نیفتاد . این هواپیماها ، پیشگامان هواپیماهای بدون سرنشین کنونی بودند . طی سالهای بعد ، روی هواپیماهای اولیه بازنگری بیشتری انجام گرفت و نتیجه آن ، ساخت هواپیماهای بدون سرنشین ویژه عملیات شناسایی هدفگیری بود . (ص.ه.ش ۱۰۳ - س ۱۳۷۸)

ایران بر اثر تحریم های بعد از انقلاب اسلامی که شامل صنایع هوایی نیز می شد همچنین استفاده ایران بطور انحصاری از هواپیماهای آمریکایی ، نیروی هوایی ایران را بطور محسوسی پس از انقلاب ضعیف کرد از طرفی جنگ ۸ ساله نیز این مشکل را مضاعف کرد بطور مثال پیشرفته ترین هواپیمای رهگیر ایران F-14 تامکت ساخت شرکت گرومن آمریکا است که مدل A و در دهه ۷۰ تولید شده است که به ادعای منابع نظامی ۲۵ یا ۲۹ فروند از ۷۹ فروند خریداری شده قادر به پرواز هستند .

اما ایرانی ها برای بدست آوردن اطلاعات و عکس های هوایی دست به ساخت هواپیماهای بدون سرنشین که امروزه دارای تکنولوژی بسیار پیشرفته ای هستند زدند در ابتدا در زمان جنگ دست به ساخت نوعی پهباد غیر استاندارد زدند که یکبار مصرف و دارای کلاهکی با وزن ۴۰ کیلوگرم مواد منفجره بود و دارای قابلیت گرفتن عکس های هوایی را داشت . اما این پهبادها غیر استاندارد بودند . در اینجا ابتدا قابلیت و استعداد صنایع ایران در ساخت R PV ها را بیان کرده و سپس کاربرد این نوع پرنده را در تاکتیک های جنگ های چریکی دریایی در خلیج فارس بیان می کنیم .

۲. آخرین پیشرفتهای ایران شامل ۸ نوع هواپیمای بدون سرنشین با مأموریت‌های ویژه می باشد

شامل :

۱. ابابیل B (هدف هوایی) با پرتابگرها و تجهیزات پروازی گوناگون
۲. ابابیل S با سیستم هدایت و کنترل ۱۲۳ پایدار کننده خودکار مجهز به G PS

۳. ابابیل با سیستم خلبان خودکار با نام شهید نوروزی با قابلیت ارسال تصاویر

۴. ابابیل T مدل چابک پر و مدل تیز پر

شرکت هسا ابابیل در سه مدل B (هدف هوایی) مدل S (برد بلند) نوع T که از مواد مرکب تولید و تحویل مشتری می شود.

نکته بسیار مهم آن است که ابابیل از آلومینیوم هوایی ساخته می شود یا از مواد مرکب بنا به نوع ماده مرکبی که مشتری درخواست کند. (که می توان از مواد مرکب ضد راداری هم باشد)

برد ابابیل با خلبان خودکار ۳۰ کیلومتر اما با G PS، ۱۵۰ کیلومتر است و ارتفاع پرواز ۱۴۰۰ پا می باشد.

کاربردها :

*نصب غلاف منعکس کننده (reflector , p.d) جهت افزایش انعکاس راداری جهت آزمایش رادار

*نصب فیلتر یا چشمه حرارتی جهت آزمایش موشکهای حرارتی

*دوربین ارسال تصویر

*سر جنگی

شکل پرتاب :

۱. پرتاب نیوماتیک

۲. پرتاب راکتی (JATO : Jet Assited take – off)

بازیافت :

◀ با ارا به سورتمه ای روی زمین

◀ فرودبا استفاده از چتر

استفاده از سیستمهای خلبان خودکار ، ناوبر راداری ، ناوبری GPS و نمایش اطلاعات رایانه ای ابابیل را قادر ساخته است تا در محدوده وسیعی جهت مأموریتهای گوناگون به پرواز در آید .

! نکته مهم : در صورت قطع کامل ارتباط با ایستگاه زمینی و با توجه به گنجایش سوخت ، می توان هواپیما را به سمت هر نقطه دلخواه در محدوده تعریف شده جهت انجام مأموریت به پرواز درآورد .

ویژگی :

*طراحی آیرودینامیکی مناسب

*جداسازی و مونتاژ سریع

*سهولت بکارگیری و تعمیر

*تحرك و انعطاف پذیری مناسب

*قابلیت استفاده در دریا و خشکی

*سهولت بکارگیری و تعمیر

*قیمت مناسب

ابابیل نوع S : این هواپیما اطلاعات را با ۱۷ کانال مجزا از وضعیت خود و چند کانال آزاد می فرستد ، این هواپیما اطلاعات دقیق پروازی خود را بر روی یک رایانه که جلوی خلبان است که شامل اطلاعاتی در مورد دور موتور ، سرعت ، ولتاژ باطریها ، میزان سوخت ، ارتفاع ، غلت (Roll) ، اوج (Pitch) و مسیر خود را رسم می کند، نشان می دهد که به خلبان امکان می دهد هواپیما را بدون دید هدایت کند .(بدلیل نیاز به برد زیاد در دریا خیلی مناسب است)

اگر نقصی در سیستم بوجود آید می توان هدایت را از GPS گرفت و به قطب نمای دیجیتالی داد و اگر قطب نما هم مشکل پیدا کرد خلبان خود پرواز را بر عهده می گیرد .

همچنین می توان هواپیما را بدون دریافت هیچگونه اطلاعاتی از پایگاه زمینی برای هدایت به مأموریت پروازی تا بی نهایت (بستگی به مقدار سوخت هواپیما دارد) فرستاد آنگاه با GPS کنترل هواپیما انجام می گیرد و پس از بازگشت در محدوده تعریف شده قبلی برای ارتباط (۱۵۰ کیلومتر) آن را دریافت و هدایت جهت باز یافت انجام می گیرد .

البته پهباد می تواند بدون بازگشت باشد که در انتهای مسیر با چتر فرود آید یا با کلاهک جنگی به هدف برخورد کند .

چگونگی کارکرد سیستم های پرواز و نوع مناسب در شناورهای سبک ایرانی در خلیج فارس :

*سیستم نیوماتیک : بوسیله فشار باد از روی یک سکوی ریل مانند که نیروی مورد نظر بوسیله موتور کامیون (می تواند موتور شناور باشد) تأمین می شود .

*سیستم راکتی : در این روش چون از راکت استفاده می شود سیستم بسیار کوچک و قابل نصب بر روی شناور می باشد در ضمن در این روش به تعمیر و نگهداری مداوم نیز نیاز نیست .

هواپیمای چابک پر : برای آموزش خلبانهای نیروی دریایی شده است و دارای طراحی آب نشین می باشد . طرح های آینده ایران : با ساخت موتورهای مینی جت که فقط چند کشور جهان دارای این تکنولوژی

هستند (ساخت در هسا) باعث طراحی پهبادی با مشخصات زیر گردیده است :

*موتور : جت

*سرعت : ۷۰۰ KM

*ارتفاع پرواز : ۲۵۰۰۰ پا

*مأموریت : برای آزمایش سلاحهای هوا به هوا - زمین به هوا - شناسایی - اختلال در سیستمهای راداری دشمن (JAMMING)

البته پهبادهای دیگری نیز در ایران ساخته شده است :

۱-صاعقه (۲و۱) : جهت انجام ECM

۲-درنا (مهاجر ۲)

۳-هدهد (مهاجر ۴)

۴-تلاش ۱و۲

۳. عملیاتی کردن RPV در خلیج فارس در نبرد چریکی :

بهترین تجربه دراستفاده از پهباد در جنگ چریکی دریایی را می توان در نبرد ۱۹۸۲ اسرائیل و لبنان مشاهده کرد که رژیم اسرائیل با استفاده گسترده از پهبادها توانست موجب شناسایی و کشف فرکانس راداری موشکهای سوریه و سپس انهدام و فلج نمودن آنها گردد، بطوریکه یکی از عوامل شکست سوریه را در این جنگ همین طرح می دانند .

مأموریت های محوله :

*کسب اطلاعات تاکتیکی از مواضع دشمن

*عملیات فریب و ایجاد NOISE و اختلال در رادار دشمن

*نابود کردن هدف بوسیله کلاهک جنگی

*تمرین یگانهای شناور در پدافند هوایی عامل

کسب اطلاعات تاکتیکی از مواضع دشمن :

یکی از اصول در جنگ چریکی بدست آوردن اطلاعات آنی از مواضع و تحرکات دشمن می باشد در خلیج فارس بدلیل محدود بودن محیط و با توجه به برد پهبادها می توان ابابیل را یکی از وسایل کسب اطلاعات آنی به حساب آورد ، که بطور مثال مواردی کاربردی در این زمینه را در پایین می آوریم .
 شناورهای بزرگ بدلیل عمق کم در خلیج فارس حرکتی کانالیزه دارند که این باعث آسیب پذیری می شود ، بخاطر همین امر بالا بردن ضریب اطمینان ، شناورهای نظامی آمریکا در خلیج فارس اکثراً بصورت کاروان (C ONVY) و با ناوهای پاسور (اسکورتی) حرکت می کنند، این وضعیت در محل هایی چون تنگه و بین سه جزیره ایرانی تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی مشهود می باشد .

بخاطر بدست آوردن اطلاعاتی از این صورت بندی ها که توسط رادارهای ساحلی قابل تشخیص نمی باشد مانند نوع شناورهای کاروان و نحوه قرار گرفتن یا صورتبندی شناورها می توان از پهباد ابابیل استفاده کرد . در صورتیکه برد ابابیل با GPS در حدود ۱۵۰ کیلومتر است ، تمام عرض تنگه از ۵۰ کیلومتر تجاوز نمی کند و از طرفی مزیت دیگر ابابیل آن است که همزمان و بصورت تصویری از شناورهای دشمن اطلاعات می فرستد که افرادی که در دریا تجربه نظامی دارند می دانند که این یعنی شناسایی نوع سلاحهای نصب شده

بر روی شناورها و از این مهمتر اینکه با دیدن نوع صورتبندی می توان پی برد که دشمن این کاروان را برای پدافند هوایی برپا کرده یا زیرسطحی یا سطحی یا برای عملیات آبخاکی و... آماده کرده است .

از طرف دیگر در عملیات مین ریزی که یکی از روشهای نبرد چریکی است و در بعد به آن می پردازیم همیشه بدنال MAIN BODY در صورت بندی هستیم تا بوسیله تاکتیک های خاصی به آن ضربه بزنیم که شناسایی آن بوسیله ابابیل که از ناوگان فیلم می گیرد برای بدست آوردن موقعیت شناور اصلی در ناوگان بسیار مناسب می باشد در صورت نیاز به حمله موشکی نیز به این اطلاعات نیاز می باشد .

از طرف دیگر برای حفاظت از شناورهای کورسر در حین انجام مأموریت می توان از پهباد استفاده کرد بطوریکه آنها در مورد نزدیک شدن یگانهای دشمن یا خطراتی که آنها را تهدید می کند با خبر ساخت .

۴. سایت و چگونگی استفاده از پهباد در خلیج فارس توسط ایران :

در خلیج فارس جزایر سه گانه ایرانی بهترین پایگاه برای P RV های ایرانی می باشد بطور مثال جزیره ایرانی ابوموسی بدلیل نزدیکی به امارات و عمان می تواند با پرواز ابابیل و با مقدار سوخت کافی، ابابیل را در خاک کشورهای همسایه نفوذ دهد و اطلاعاتی از پایگاههای ساحلی یا مراکز اقتصادی ، تجمع نیرو و امکانات و... کسب کند یا با کلاهک جنگی به این اهداف برخورد کند .

در صورت احتمال جنگ الکترونیک و اختلال در امواج هدایتی ابابیل می تواند بدون کنترل زمینی نیز این کار را انجام دهد زیرا دارای سیستمی می باشد که با توجه به اطلاعات داده شده به ابابیل می تواند تا هدف پرواز کند و بعد از انجام مأموریت در بازگشت در مسافت ۱۵۰ کیلومتری (یک نقطه بازیافت که می تواند شناور هم باشد) بوسیله ایستگاه زمینی در جزیره دریافت شود یا می تواند در پایان مسیر و پس از فرستادن اطلاعات پهباد بطور خودکار منفجر شود .

اما نکته مهم آن است که اگر با مشکلاتی همچون کمی سوخت و یا شناسایی پایگاه پرواز توسط دشمن روبرو باشیم می توان دو نوع سایت برای PRV تعریف کرد :

۱-سایت ثابت (پایگاه) : این سایت را پایگاه در خشکی (بهتر است در کوه و شلتر باشد) که می تواند جزیره باشد که تعمیرات و نگهداری و مونتاژ در آن صورت می گیرد .

ابابیل را می توان قطعه قطعه کردو با شناورهای تندرو به جزیره حمل کرد و براحتی مونتاژ کرد.

۲-سایت متحرک(پرتاب) : این سایت که عهده دار به پرواز در آوردن پهباد است می تواند یک کامیون یا یک شناور تندرو یا شناور کورسر باشد که ابابیل را بر روی آن نصب کرده و به روش راکتی به پرواز درآید ، در این روش شناور پهباد آماده را از جزیره (سایت ثابت) تا نقطه رهایی حمل کرده و در زمان و مکان مشخص به پرواز در می آورند و کنترل آن را می توانند خود داشته باشند یا سایت پایگاه ، همچنین اگر P RV بازیافتی باشد می تواند شناور آن را دریافت کند (با چتر یا اسکی آب نشین) یا جزیره .

۵. عملیات فریب و ایجاد NOISE و اختلال در رادار دشمن :

عملیات فریب سیستمهای راداری دشمن به چند روش توسط این هواپیماها ممکن می باشد :

* ایجاد اکوهای غیر واقعی (LOST TARGET) برای رادارهای دشمن بوسیله نصب راکتهای چف در زیر ابابیل و رهایی آن در فضای Serch راداری دشمن یا بوسیله نصب غلاف منعکس کننده (reflector p.d ,) جهت افزایش انعکاس راداری

* نصب فیلتر یا چشمه حرارتی جهت فریب موشکهای حرارتی یا سیستمهای دشمن که رهگیر اشعه های حرارتی می باشد .

* نکته : دو روش بالا برای کمک به عملیات موشکی و هوایی به دشمن است تا دشمن را از شناسایی هواپیمای اصلی یا موشک عاجز سازد .

* البته با ساخت مینی جت ، ایران توان بالایی در اختلال راداری بدست می آورد ، زیرا سرعت افزایش پیدا کرده و به نزدیکی سرعت موشکهای ایرانی می رسد .

نابود کردن هدف بوسیله کلاهک جنگی :

یکی دیگر از روشهای بکار گیری پهباد توسط ایران می تواند استفاده از کلاهک انفجاری در آن باشد در این روش می توان پهباد را از شناوری تندرو یا یکی از جزایر ایرانی به پرواز در آورد و به طرف هدفی مانند شناورهای نظامی یا هر نوع هدفی در دریا و خشکی هدایت کرد و اگر ترس از اختلال در سیستم کنترل زمینی برود با اطلاعاتی که قبل از پرواز از هدف به ابابیل می دهیم تا بطور مستقل تا هدف پرواز کند و در پایان مسیر با هدف برخورد کند .

مزایا نسبت به موشک ها :

شاید به نظر آید که بجای کلاهک جنگی در R PV می توان از موشک های SSM استفاده کرد که دارای سرعت بالاتری می باشند اما در نبرد چریکی دریایی R PV ها دارای مزایای خاصی بر موشک ها در بعضی شرایط می باشند که این مزایا شامل :

۱- موشک های ایرانی از نوع SSM تاکنون نتوانسته اند بردی بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر را تحت پوشش قرار دهند (موشک C-802) و از طرفی که اگر بخواهند از شناور شلیک شوند تا ۴۰ کیلومتر با رادار شناور می باشد و بیشتر به یک R. S نیاز دارد . در صورتی که ابابیل حداقل ۱۵۰ کیلومتر می باشد .

۲- موشک های ایرانی از نوع شلیک کن و فراموش کن (خود محرک) هستند و پس از شلیک دیگر کنترلی از طرف سایت شلیک کننده بر روی آنها نمی باشد پس بنابراین مسیری هم که طی می کند طبق برنامه موشک می باشد و تا اندازه ای توان مانور را دارد اما RPV ابابیل را تا ۱۵۰ کیلومتری می توان کنترل کرد و در هر لحظه مانور خاصی را بر روی آن اعمال کرد و رهگیری آن توسط دشمن را مشکل ساخت .

۱. موشک های ایرانی که بر شناور نصب می باشد بر علیه کشتی می باشد اما پهباد بر علیه کشتی و اهداف در خشکی کاربرد دارند .
 ۲. سایت موشک ها و امکانات پرتاب آنها بدلیل پر حجم بودن زودتر کشف و شناسایی می شود بخصوص در جزایر که محدود است اما ابابیل بوسیله یک کامیون یا یک شناور تندرو رها سازی می شود.
 ۳. موشک ها را نمی توان در جزایر ایرانی مونتاژ کرد و تعمیر نگهداری آنها در جزایر ایران محدودیت دارد در صورتیکه ابابیل را براحتی می توان در جزایر ایرانی مونتاژ کرد و تعمیر و نگهداری از آن نیز بسیار آسان است .
 ۴. سایت موشک ها دارای پیچیدگی فنی و گستردگی زیادی می باشد اما سایت از نوع راکتی که در نبرد چریکی دریایی کاربرد دارد بسیار ساده است .
 ۵. از طرفی بدلیل ساخت پهبادها توسط ایران قیمت آنها ارزان است و هیچگاه ترس از تحریم قطعه ها وجود ندارد به همین خاطر ایران می تواند و باید از چند فروند از ابابیل ها در یک عملیات استفاده کند.
- ۶. تمرین یگانهای شناور در پدافند هوایی عامل :**

در شناورهای تندرو بدلیل کمی سلاحهای کنترل آتش باید دقت نیروها بسیار بالا باشد و بطور کلی هرچه تمرین نیرو بیشتر باشد چه نیروهای کلاسیک و چه چریکی در زمان نبرد کارایی بهتری دارد تجربه نیز این را ثابت می کند در عملیات مروارید خدمه توپهای شناورهای ارتش ایران توانستند بر اثر تمرینات زیاد موشک های اگزوست ناوچه های عراقی (ساخت فرانسه) که بسیار هم پیشرفته بودند را در آسمان مورد هدف قرار دهند .

بنابراین یکی از بهترین روشهای تمرین با موشک های سبک بکار گیری شده در شناورهای تندرو سپاه پاسداران ایران مانند استینگر ، ونگار و ... بوسیله هدف قرار دادن پهبادها می باشد به همین منظور ایران تمرینات موشک ونگار را در اصفهان با همین پهبادها انجام داد ، پهباد در نظر گرفته و طراحی شده برای این منظور ابابیل نوع B می باشد .

فصل هفتم

تجزیه و تحلیل

۱. مقدمه

۲. ویژگی ها و مشخصات جنگهای چریکی

۳. عوامل موثر در جنگهای نامنظم

۴. شیوه های جنگ نامنظم در خلیج فارس

۱. مقدمه

مطالبی که تاکنون بعنوان اطلاعات زمینه ای عنوان و بحث گردید همه دال بر این مطلب است که در صورت بروز بحران در خلیج فارس از طرف قدرتهای بزرگ دریایی و شعله ور شدن جنگ در این منطقه استراتژیک بر علیه جمهوری اسلامی قطعاً وقوع یک طیف وسیع از عملیاتیهای نا منظم و چریکی در کنار عملیاتیهای کلاسیک اجتناب ناپذیر خواهد بود و به صراحت می توان اذعان داشت علاوه بر اینکه اهمیت اینگونه عملیاتیها از عملیات منظم کمتر نیست در گاهی اوقات تنها راه حل ممکن منحصر به این گونه اقدامات میباشد.

قبلاً توجه به این موضوع حائز اهمیت فوق العاده است که در منطقه خلیج فارس که در واقع ذخیره حیاتی انرژی دنیای آینده را در خود جای داده است و بعد از اتمام قریب الوقوع ذخائر نفتی جهان تنها ذخیره موجود برای دنیای صنعتی همین منطقه خواهد بود تنها منافع جمهوری اسلامی نیست که در صورت بروز بحران به خطر خواهد افتاد بلکه همه جهان متاثر از این وضعیت خواهند گردید. و لازم به گفتنی نیست که جمهوری اسلامی ایران همانطور که در جنگ تحمیلی به اثبات رسانید قادر خواهد بود در بدترین شرایط محاصره اقتصادی و نظامی با اتکا به قدرت لایزال الهی و جان فشانی جوانان برومند خود برای مدتهای طولانی به مقاومت و مبارزه بر علیه قدرتهای شیطانی بپردازد.

۲. ویژگی ها و مشخصات جنگهای چریکی

(الف) کلیات:

جنگ چریکی با اقدامات آفندی و تاکید روی سرعت، اختصار، اقدام ماهرانه فریب، تحرک و غافلگیری مشخص می گردد بعلاوه موارد یاد شده ملاحظات مهم دیگری مانند پشتیبانی خارجی و وضعیت سیاسی، حقوقی و تاکتیکی نیز وجود دارد.

(ب) وضعیت تاکتیکی:

(۱) ملاحظات اولیه = معمولاً یگانهای چریکی نمی توانند از میزان قدرت رزمی مورد انتظار از یگانهای رزمی منظم برخوردار گردند در عین حال یگانهای چریکی از طریق حداکثر بهره برداری از قابلیت غافلگیری و فریب و با در نظر داشتن محدودیت های خود می توانند عملیاتیهای موفقیت آمیزی را انجام دهند.

(۲) تاکتیک های آفندی = عملیات های موفق چریکی به طرح تاکتیکی منطقی تهیه شده بر اساس آخرین اطلاعات رزمی تمرین شده بستگی دارد معمولاً بهترین بهره برداری از نیروی چریک استفاده از آن جهت کسب اطلاعات، راهنمایی نیروهای منظم، قطع خطوط مواصلاتی و حمله به تاسیسات حیاتی دشمن می باشد.

در جهت مخالف، دشمن مجبور است امنیت تاسیسات حیاتی خود را فراهم آورده برای برقراری تماس و انهدام نیروهای چریک اقدام نماید همین اقدامات متقابل دشمن سبب بوجود آمدن محیط عملیاتی مناسب برای چریک می گردد.

(۳) تاکتیک های پدافندی = رعایت اقدامات حفاظتی و استتار بهترین تضمین در مقابل غافلگیر نشدن نیروی چریک از سوی دشمن می باشد. سازمان دادن پشتیبانی های مردم محلی، تامین محلی نیروهای کوچک چریک را افزایش می دهد، چریک همیشه آمادگی عقب نشینی سریع به مناطق مناسب دیگر را دارد، تامین نیروی چریک و توانایی کنترل یک منطقه توسط آن در محیط دشوار، که دیدبانی، هوایی و حرکت زمینی و سطحی نیروی مقابله کننده را محدود می کند به سادگی امکان پذیر است. محدودیت ها و موانع طبیعی توانائی دشمن را در اجرای عملیاتهای هماهنگ شده محدود می نماید و در نتیجه اکثر اوقات به یگانهای چریک امکان می دهد که از نبرد پدافندی ثابت اجتناب نمایند.

۳. عوامل موثر در جنگهای نامنظم

الف) مردم و ایدئولوژی آنها و طرز تلقی آنها از حکومت حاکم:

بزرگترین پشتوانه جنگهای نامنظم مسلماً مردم هستند اگر مردم نباشند تامین محلی جنگهای چریکی و نامنظم تقریباً معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد.

طرز تلقی مردم از رژیم حاکم و دشمن یا بالقوه رژیم در توسعه و بکارگیری تامین محلی نیروهای چریک موثر می باشد. تجربه تاریخی یک نژاد یا ملت بر افزایش تمایل آن ملت یا نژاد به مقاومت موثر می باشد. ایدئولوژی و جهان بینی مردم نقش اساسی در تداوم مقاومت را ایفا می کند قطعاً مردمی که برای جهان هدفی قائلند و در زندگی هدفی را دنبال می کنند و نهایت دنیا را عمر چند ساله خود نمی پندارند و برای اعمال در زندگی حساب و کتابی قائلند روح مقاومت و ایثار بیشتری نسبت به مردم لابلالی و دنیا پرست و منفعت طلب خواهند داشت.

ب) رهبری و کنترل:

نقش فرماندهی کاردان و با تجربه و جامع از نظر عقیده سیاست گذاری و نظامی در هدایت و سازماندهی و انسجام نیروی عظیم بالقوه مردم همچنین تحریک آنان و ایجاد اعتقاد به هدف جنگ بسیار تعیین کننده است و مهمتر از آن میزان احترام و شیوه اطاعت پذیری مردم از آن فرمانده بسیار مهم است.

پ) انگیزه و روحیه:

انگیزه افراد در پشتیبانی از جنگ و مقاومت در مقابل دشمن ناشی از منابع متعددی می گردد از جمله (ایدئولوژی، فرهنگ، محیط، احترام برای رهبران مقاومت، اقتصاد، جاه طلبی فردی، امنیت فردی، تنفر، خودپسندی

ت) نیروی انسانی:

در دسترس بودن نیروی انسانی برای پشتیبانی از جنگهای نامنظم یک عامل موثر است. افراد کافی برای شرکت فعال در نیروی مقاومت تاثیرگذاری مقاومت را افزایش می دهد.

ث) وضعیت جغرافیایی طبیعی منطقه عملیات:

وضعیت جغرافیایی نقش موثری در اجرای عملیات نامنظم دارد، کوهستانها، باتلاقها، بیشه زارهای وسیع و جنگلها برای پایگاهها و مخفی گاههای چریکی محللهای نسبتاً امنی را فراهم می آورد. در اینجا با تعمیم هر یک از موارد و عوامل یاد شده به جمهوری اسلامی ایران به مقایسه آن عوامل برای طرف مقابل خواهیم پرداخت.

الف) مردم و ایدئولوژی آنها و طرز تلقی آنها از حکومت حاکم:

مردم مسلمان ایران در طول تاریخ همانطور که بیان شد هیچگاه زیر بار ظلم و زور نرفته اند و در هر مقطع از تاریخ که شواهدی از تسلط بیگانه مخصوصاً از نظر نظامی در این مرز و بوم وجود دارد شاهد بودهایم که به زودی یا آن قدرت سلطه گر با ایثارگری مردم به خاک مذلت نشسته و یا در فرهنگ غنی و پر بار ایرانی که همان اسلام باشد حل گردیده است. همانطور که ذکر شد دو عامل عمده در طول ادوار گذشته همیشه وسیله ای برای اضمحلال ملل و اقوام گوناگون بوده است و آن تفرقه و تشتت و عدم رهبری قاطع و دیگری عدم وجود یک جهانبینی و ایدئولوژی محکم و مناسب بوده است.

در ایران اسلامی بحمد الله تا کنون این دو عامل بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تحقق یافته است و شاید بتوان گفت چنین انسجامی بعد از بعثت پیامبر (ص) بی سابقه باشد. رهبریهای آگاهانه و الهی حضرت امام از یک طرف همراه با وحدت کلمه و یکپارچگی ملت هنگامی اثر خود را به خوبی نشان داد که با ایدئولوژی سرشار از عشق و شور و حماسه و اسلام و تشیع توأم گردید.

هم اکنون نیز این انقلاب توسط فرزند خلف امام خمینی (ره)، نایب بر حق حضرت حجت (عج) و رهبر فرزانه جهان اسلام حضرت آیت الله خامنه ای (زید توفیقاته) در راه اعتلای اسلام عزیز و آرمانهای والای پیر جماران به شایستگی هدایت می شود.

ب) رهبری و کنترل:

در ایران اسلامی برای مردم مسلمان ما با داشتن کتب تشیع و بول اصل ولایت که اصلی منحصر به فرد می باشد مسئله رهبری کاملاً حل گردیده است. چرا که امر رهبری و اطاعت از آن در مذهب تشیع اطاعت مطلقه از رهبر و ولی فقیه می باشد که در راستای ولایت خداست در نتیجه مردم اوامر و دستورات رهبر خود را تکلیف شرعی و واجب عینی می دانند، در حدی که رهبر در همه شئون زندگی آنها دخالت دارد و هر گاه مسائل ساده و جزئی را از او تبعیت کنند به طور قطع در مسائل اساسی و سرنوشت سازی چون دفاع و مقاومت در مقابل متجاوزین، ولی امر به طور اولی دخالت دارد.

به هر ترتیب رزمندگان سلحشور ما همانطور که در طول جنگ تحمیلی به اثبات رساندند در اجرای فرامین رهبر و سلسله مراتب فرماندهی را که برای آنها در طول اطاعت از خداوند سبحان قرار می گیرد با جان و دل خواهند پذیرفت و ما شاهد بودیم که به یک اشاره از امام بزرگمان سیل عاشقان لبیک گو سرازیر جبهه ها می گردید و مصداق شعر معروف «از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن» را تداعی می کردند. چنین بینشی نسبت به فرماندهی و اطاعت محض رزمندگان از ولایت فقیه و در راستای آن فرماندهان نظامی خود در صحنه عملیات مسئله کنترل و هدایت جنگ و عملیات را برای فرماندهان ما صد چندان آسان تر نموده و دسترسی به اهداف را نزدیکتر خواهد نمود مخصوصاً این مسئله در دریا و جنگ روی آب دارای اهمیت ویژه‌ای می باشد.

پ) انگیزه و روحیه :

انگیزه و روحیه در جنگهای نا منظم عامل بسیار تعیین کننده ای خواهد بود البته روحیه ارتباط مستقیم با انگیزه دارد و در واقع انگیزه جنگیدن در نسبت روحیه بالا و پایین رفتن آن موثر است اصولاً یکی از رموز پیروزی در تمام عملیاتها روحیه می باشد و رهبران و فرماندهان جنگ همیشه سعی در این دارند که به هر قیمتی که شده روحیه را در پرسنل نظامی خود بالا نگه دارند روحیه را در یک جنگجو به چند طریق میتوان بالا برد یکی از راه انگیزه های مادی مانند مزدوران جنگی و یا سربازانی که بر خلاف میل باطنی به جنگ تن داده اند و تنها انگیزه ترس می باشد و یا با انگیزه های معنوی و ایدئولوژیک و اعتقاد به اهداف مقدس و والای جنگ و لازم به توضیح نیست که کدام عامل موثر تر و قوی تر می باشد و روح جنگندگی را در جنگجویان ایجاد می کند انگیزه های معنوی در رزمنده ایجاد عشق و شور و حماسه می کند و روح از خود گذشتگی را در او ایجاد می کند و این عشق و شور و برای رسیدن به هدف خود به خود بسیاری از مشکلات بالطبع جنگ را حل می کند. رزمنده ای با چنین انگیزه دیگر به فکر آسایش و رسیدن وسایل رفاهی نمی باشد او دیگر به قوت و نانی و سنگری نمود قناعت می کند و خوشحال است که توانسته لیاقت جنگیدن با خصم را در راه هدفش به دست آورد در پرتو این روحیه او بر مشکلات لاینحل فائق می آید و شرایط غیر قابل متحمل می شود.

همه این مسائل تنها می تواند در پرتو انگیزه های الهی تحقق یابد چنین روحیه ای فقط مختص سربازان امام زمان (عج) می باشد حال سوال میکنیم آیا با انگیزه های مادی هم چنین روحیه ای ایجاد می کند؟ آیا چنین شوری در سر سربازان قوای الحاد و جبهه کفر نیز هست؟ آیا وعده و وعید و پول و پاداش و غیره چنین حالتی را قادر است ایجاد کند؟ هرگز! همانطور که قبلاً در رابطه با جهان بینی و دیدگاه ستمگران نسبت به هستی و جهان بیان گردید چنین نگرشی هرگز قدرت ایجاد روح مقاومت و جنگندگی را تا سر حد مرگ بوجود نخواهد آورد.

ت) نیروی انسانی:

از عوامل عمده در تداوم جنگهای نامنظم در دسترس بودن نیروی انسانی به اندازه کافی و در زمان کافی مورد نیاز می باشد در این مورد خاص در جمهوری اسلامی به حول قوه الهی هیچ گونه مشکل خاصی وجود ندارد، بدلیل که ذکر میگردد.

اولاً همانطور که گفته شد مردم این مرز و بوم بدلیل اعتقادات مذهبی خود سراپا گوش به فرمان رهبر خود می باشند و در هر زمانی و تحت هر شرایطی آمادگی حضور را دارند و این باور را در جنگ تحمیلی و مقاطع مختلف انقلاب به ثبوت رسانده اند.

ثانیاً کمتر خانواده ایرانی وجود دارد که حداقل یک نفر از افراد خانواده اش در جبهه های رزم به نبرد نرفته و یا شهید نگشته باشد و لذا توشه ای از تجربیات جنگ، و دفاع مقدس در مقابل تهدیدات سلام مدرن غرب در دانشگاه انسان ساز جنگ اندوخته اند.

ثالثاً مردم شهرها و روستاهای ما هر یک به طریقی بمبارانها، گلوله بارانها و موشک بارانها هوا به سطح، سطح به سطح و عوامل شیمیایی را به چشم دیده و به آنها خو گرفته اند. بعلاوه آموخته اند چگونه قناعت کنند به آنچه ندارند.

رابعاً مردم ما به جای جای سرزمین اسلامی و مخصوصاً خلیج فارس به خوبی آشنایند چرا که خانه و کاشانه آنها در سالیان سال و در گذر تاریخ با آن در ارتباط تنگاتنگ بوده اند.

لذا با ایمان به این حقیقت که چون به فرمان مقامی که حافظ دین جامعه اسلامی است پای به دریا بگذارند بدون ترس از جان و اطمینان دارند که خدا حافظ و ناصر آنها خواهد بود.

از طرف دیگر نیروهای در خدمت جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه کینه و قهر الهی آنها نسبت به نیروهای تجاوزگر مزید بر تلاش و همت آنان در مبارزه و مقاومت می گردد عامل آشنایی کامل با منطقه عملیات از یک طرف و احساس قرابت و نزدیکی با منطقه و اینکه در خانه خود برای دفع تجاوز می جنگند فاکتورهای مثبت عملیاتی آنها خواهد بود.

ث) وضعیت جغرافیایی طبیعی منطقه عملیات:

یکی دیگر از عوامل بسیار موثر در عملیات های نامنظم وضعیت جغرافیای طبیعی منطقه عملیات می باشد هر کدام از این عوامل ثابت به تنهایی می توانند اثرات بیشماری در نحوه و شیوه اجرایی تاکتیکهای متخذه از سوی چریکها داشته باشد.

۴. شیوه های جنگ نامنظم در خلیج فارس

۴-۱ - جنگ مین:

ساده ترین، ارزان ترین و در عین حال یکی از خطرناکترین سلاحهای دریایی مین می باشد و در عوض مشکل ترین، پرهزینه ترین و شاید کم نتیجه ترین تلاشها مقابله و پاکسازی مناطق آلوده به مین است.

جنگ مین وسیله ای موثر و مفید برای ممانعت دشمن در بهره گیری از دریا می باشد مین گذاری آفندی می تواند دشمن را محبوس و از حرکت آزاد و در نقاط حساس و تنگه ها جلوگیری بعمل آورد. حضور مین در صحنه عملیات برای دشمن ایجاد گیجی و دستپاچی می کند و از طرفی دشمن را وادار می نماید تا تلاش فراوانی را در راه پاکسازی منطقه بکار گیرد که اغلب هزینه تلاشها و اعزام نیروهای متناسب با آنچه بدست می آید نمی باشد.

محاسن و معایبی که در کتابها برای مین های دریایی ذکر گردیده است به شرح زیر می باشد.

■ محاسن مین:

الف) در مقایسه با سایر سلاحهایی عصر خود گران نبوده و برای کلیه کشورهائیکه دارای نیروی دریایی هستند قابل حصول می باشد

ب) مین ها به قسمت های آسیب پذیر کشتیها، ناوبر و زیر دریایی ها صدماتی وارد می آورند و سوراخهایی در آبخور کشتی و قسمتتهائی از بدنه کشتی که در زیر آب است ایجاد و در نتیجه بسرعت به غرق کشتی کمک می نمایند.

پ) موقعیت و محل مین ها را مشکل می توان تشخیص داد و برای خنثی کردن آن نیاز به کوشش فراوانی است

ت) مین ها سلاحی تحریک پذیر به وسیله هدف بوده بدون آنکه احتیاج سکو یا محل استقرار خاصی داشته باشند و از زمان قرار دادن تا پایان عمر قانون آن ۲۴ ساعته فعال می باشد.

ث) مین ها سلاح مناسبی در حملات پنهانی و یا در حملات غافلگیرانه می باشند.

■ معایب مین:

۱. مین باید صبر کند تا دشمن به او نزدیک شود و نمی تواند به جستجوی آن بپردازد.

۲. مین باید هفته ها و شاید ماه ها قبل از اینکه دشمن به منطقه برسد قرار داده شود و در نتیجه در صورت اطلاع از آن دشمن خواهد توانست اقدام به پاک سازی منطقه نماید.

۳. احتمال دارد برای کشتی های دوست نیز به همراه داشته باشد.

از مطالبی که بیان گردید در مجموع می توان این نتیجه را گرفت که آبهای خلیج فارس جهت عملیات مین ریزی بسیار مناسب می باشند به دلایل زیر :

۱. عمق آب در خلیج فارس بیشتر از ۵۰ فادم نمی باشد که این عمق عمیق ترین مناطق خلیج را در بر می گیرد و به طور متوسط عمق آن بیشتر از ۲۵ متر نمی باشد این مقدار مناسب ترین عمق جهت عملیات مین ریزی برای هر نوع مین از قبیل لنگر دار یا کف نشین می باشد مخصوصاً بیشترین مزیت را جهت بکار گیری مین های کف نشین فراهم می آورد.

۲. جریانات آبی در منطقه خلیج فارس یا اصلاپ وجود ندارد و یا سرعت آن به بیشتر از ۱ گره دریایی نمی رسد و عمده حرکت آب همان نوسانات جزر و مد طبیعی می باشد که آنهم بطور معمولاً بین ۱ متر در ضعیف ترین نقاط تا ۳/۵ متر در شدیدترین نقاط خلیج فارس نوسان دارد. و لذا قدرت جابجا نمودن مین های لنگر دار و یا کف نشین را در صورت کار گذاشتن دقیق آنها نخواهد داشت.

۳. وسعت صحنه عملیات بسیار محدود می باشد و منطقه کوچکی را در بر می گیرد خلیج فارس دارای ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت می باشد که این وسعت چند برابر مناطق قابل کشتیرانی در خلیج فارس است و هر گاه خوب دقت کنیم خواهیم دید که در تمام مناطق قابل کشتیرانی نیز به علت محدودیتها متعدد قابل استفاده نیستند و لذا محدوده عملیاتی یک منطقه بسیار کوچکتر از کل مساحت خلیج را در بر می گیرد که براحتی و با توان کم می توان آن را به انواع مین ها آلوده و نا امن نمود.

۴. وجود گذرگاهها و کانالهای اجباری عبور در خلیج فارس تردد کشتیها و ناوهای جنگی را کانالیزه نموده و در واقع اهداف سهل الوصولی را برای اقدامات مین ریزی ایجاد می نماید از جمله وجود تنگه استراتژیک هرمز محدودیت های شدیدی برای تردد شناورهای جنگی دشمن و امتیاز بارزی برای تردد شناورهای جنگی دشمن و امتیاز بارزی برای شناورهای مین ریز محسوب می گردد.

با توجه به فاکتورهای یاد شده بالا خلیج فارس را می توان منطقه ای بسیار مستعد جهت اجرای عملیاتیهای مین ریزی تصور نمود که رزمندگان ما می توانند با بکارگیری آخرین تاکتیکهای پیشرفته این منطقه را به غرقابی هولناک برای دشمن تبدیل نمایند از آنجایی که عملیات مین ریزی را می توان با انواع شناورها اعم از ماهیگیری، تجارتهای و جنگی در اندازه های متفاوت از قایق های چند فوتی گرفته تا کشتی های چند صد متری انجام داد لذا نه تنها محدودیتی از جهت وسایل حمل مین برای رزمندگان ما فراهم نخواهد آمد بلکه شلوغی منطقه و استفاده از شناورهای مختلف امکان غافلگیر کردن دشمن را نیز به آنها خواهد داد.

از طرفی دیگر کمی عمق منطقه عملیات و نزدیکی کانالهای عبور کشتیرانی به سواحل جمهوری اسلامی ایران و در دست داشتن تمام جبهه شمالی صحنه عملیات علاوه بر اینکه امکان حرکت یگانهای کوچک مین ریز را در هر زمان و مکان دلخواه به رزمندگان ما خواهد داد همچنین امکان مین ریزی حتی چند ساعت قبل از عبور یگانهای جنگی و پشتیبانی دشمن از کانالها و تنگه اجباری به آنها خواهد داد این مهم در تجربیات چند ساله جنگ در خلیج فارس برای رزمندگان ما به اثبات رسیده و در واقع برخورد نفت کش بریجستون تحقق پیدا نمود.

مطلب دیگر اینکه عملیات ضد مین و مین رویی از طرف دشمن معمولاً توام با هزینه و ضایعات سرسام آور می باشد و این در حالی است که عملیات مین ریزی بسیار سهل و کم خرج می باشد لذا فرض بر اینکه دشمن موفق به پاکسازی منطقه ای از مین گردد آلوده کردن آن به راحتی امکان پذیر خواهد بود و این عمل می تواند آنقدر ادامه یابد که دشمن را از پاکسازی مایوس نماید.

مین ریزی در سطح وسیع دشمن را بسختی در تنگنا خواهد گذاشت و او را که خواهان استفاده از منطقه وسیع برای مانور بوده و در واقع وابستگی شدید به ترافیک دریایی و استفاده از آبراه ها و کانالهای دریانوردی دارد کلافه نموده و مجبور به تحمل زیانهای جبران نا پذیر می نماید این در صورتی است که آلوده کردن هر نقطه ای از خلیج فارس به علت محدود بودن آن بسیار ساده و قابل دسترسی خواهد بود و حتی تبدیل خلیج فارس به یک میدان مین جهنمی کار دشواری نخواهد بود.

همان طور که ذکر گردید وجود سواحل طولانی و جزایر و سکوهای نفتی متعدد در خلیج می تواند کمک شایانی در پشتیبانی رزمندگان در اجرای عملیات مین ریزی مورد استفاده قرار گیرد و دشمن را در کمال غافلگیری و سردرگمی مقهور انفجارهای ناگهانی زیر ناوهای خود گرداند.

وضعیت طبیعی خلیج فارس امکان استفاده وسیع از مین های کف نشین و لنگردار را به رزمندگان ما خواهد بخشید و بخصوص بکارگیری مین های تاثیری و کنترل شده به جای مین های ضربتی راندمان کار و اثر بخشی آنها را چند برابر خواهد نمود در ضمن استفاده از تدابیر ضد مین روبی مزید بر عوامل بالا خواهد بود. مین های کنترل شده را می توان از نقاطی چون عوارض مصنوعی و طبیعی در منطقه عملیات که در خلیج فارس بسیار زیاد هستند مورد کنترل قرار داد.

محدودیت های عملیاتی که برای مین در خلیج فارس متصور است و در نظر خواهیها بیشتر به آن تکیه می گردید امکان برخورد شناورهای خودی به میدان مین بود و دیگری جابجا شدن آنها توسط جریانات دریایی و در آخر عدم توانای کافی جهت جمع آوری آنها در صورت لزوم.

هر چند که ایرادهای ذکر شده قابل قبول می باشند لیکن با یک ژرف نگری به عمق قضیه شاید مسائل روشن و رفع ایراد گردد.

اولاً در ارتباط با برخورد شناورهای خودی مسلماً در یک جنگ دریایی برای کشوری که خواهان استفاده از دریا می باشد بدست آوردن این خواسته توام با ضایعاتی خواهد بود. در اینجا با فرض اینکه میدانهای مین توسط رزمندگان ما ایجاد گردیده همه طرح ریزی شده بود و مختصات میدان و نوع و تعداد مین کاشته شده حساب شده می باشد و با فرض آزادی کشتیرانی خودی مسلماً امکان برخورد کشتیهای خودی به میدان مین به حداقل خواهد رسید. اگر هم امکان استفاده از کشتیرانی بعلت حضور دشمن ممکن نباشد که صورت مسئله وجود نخواهد داشت تا جوابی داده شود و این در صورتی است که شناورهای مورد استفاده رزمندگان ما معمولاً شناور های کوچک تندرو میباشدند که عمق آبخور آنها به عمق مین های کاشته شده نمی رسد و خطر مین های ضربتی در رابطه با آنها در نظر گرفته نخواهد شد.

در رابطه با امکان جابجا شدن مین ها که قبلاً نیز اشاره شد گفتیم که بعلت عدم وجود جریانات قوی دریائی در خلیج فارس و عمق کم آن این امکان به حداقل خواهد رسید البته در صورتی که عملیات مین ریزی بدقت و روی اصول انجام گیرد.

مشکل سوم نیز اینگونه قابل پاسخ است، همانطور که ذکر گردید بعلت اینکه عملیات مین رومی کاملاً طرح ریزی شده می باشد و معلوماتی از قبیل منطقه مین گذاری شده، نوع مین، تعداد مین، عمق و فاصله مین ها مشخص است و از طرفی زمان جهت جمع آوری معمولاً در اختیار می باشد، لذا پاکسازی میدان مین امکان خواهد داشت.

وضعیت جوی نامساعد محدودیتی برای عملیات مین ریزی محسوب نمی گردد و چون می توان مینها را از طرق (هوا، دریا و زیر دریا) و با وسایل مختلف (شناور، هواپیما، زیر دریائی) در دریا کار گذاشت لذا به دشمن اجازه استفاده از وضعیت جوی نامساعد جهت احراز از دیگری نخواهد داد و رزمندگان ما این اجازه را میدهد که در هر نوع شرایط جوی دشمن را از خطر مین در امان نگذارند. یکی دیگر از خصوصیات و ویژگی های مین برخورداری از ماهیت غافلگیری است و هرگاه رزمندگان ما بتوانند با استفاده از شرایط مناسب محیط و بکارگیری تاکتیکهای غافلگیرانه از قبیل اختفاء، فریب، سرعت زمان و مکان مین ریزی را از دشمن پوشیده و مخفی نگهدارند و خواهند توانست ضربات خرد کننده ای را به تجهیزات و توان رزمی دشمن مخصوصاً روحیه پرسنل وارد سازند و منطقه نبرد را به کابوس وحشتناک که هر لحظه آن نوید مرگ دارد برای دشمن مبدل کنند.

خلاصه کلام اینکه خلیج فارس با موقعیت ژئوپولیتیکی خاص که دارد این امکان را به کفر ستیزان جمهوری اسلامی ایران می دهد که در نبرد با قوای دشمن با اتکا به بنادر و جزائر و سواحل طولانی و پشتیبانی بی درغ مردمی و بکارگیری صحیح تاکتیکهای جنگ نامنظم و نیز تکیه بر سرعت، اختفاء غافلگیری، هر نقطه از خلیج فارس را که اداره کرد و با مین ریزی گسترده و مداوم برای دشمن به جهنم تبدیل کرده و او را به ورطه هلاکت بیفکنند.

۲-۴- قایق های هجومی تندرو

تاکتیک دیگری که امان بهره گیری از آن در خلیج فارس برای رزمندگان ما وجود نخواهد داشت استفاده از تک سریع، کمین، شناسائی، نیرنگ و فرار، عملیاتهای انتحاری و انواع دیگر عملیاتها توسط قایقهای هجومی تندرو می باشد.

این نوع عملیاتها در جنگ جهانی دوم توسط ژاپنی ها و نیز در جنگ کره و ویتنام تجربه گردیده است و نتایج موفقیتی را به دنبال داشته اند و آخرین تجربه آن بربوط به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در خلیج فارس می باشد که رزمندگان ما با استفاده از این شناورهای کوچک هجومی به مصاف مبارز با خصم پرداخته و ضایعات مهمی را به پیکره نیروی دریائی عراق و رد آخر آمریکای جهان خوار وارد ساختند. همان طور که بیان گردید خلیج فارس با وضعیت ژئوپولیتیکی و جغرافیای طبیعی خود در بین تمام آبهای دنیا دارای شرایط ممتازی جهت اجرای تاکتیکهای جنگ نامنظم و مخصوصاً استفاده از شناورهای کوچک

هجومی تندرو می باشد و ما در اینجا به بخشی از تاکتیکهای متخذه از طرف رزمندگان اسلام و بررسی توان رزمی طرفین و اثر شرایط مختلف براه کارهای خودی و دشمن خواهیم پرداخت. قبل از ورود به بحث و آشنایی با معایب و محاسن قایق ها و شناور های کوچک تندرو به درک مسئله کمک شایانی خواهد نمود.

محاسن قایق های تندرو:

- (۱) سرعت: این شناورها قادرند بیش از صد کیلومتر در ساعت سرعت بگیرند.
- (۲) تحرک و شتاب اولیه: بدلیل استفاده از سیستم محرکه قوی قابلیت تحرک و شتاب فوق العاده ای نسبت به شناورهای بزرگ دارند.
- (۳) مانور: بعلت شکل و حجم مخصوصی که دارند دارای قدرت مانور بسیاری بوده و در کمترین زمان ممکن تغییر جهت و سرعت می دهند.
- (۴) سلاح: با توجه به اندازه و شکل، قابلیت حمل سلاحهای مخرب و راکت اندازه های مختلف را دارا هستند و نیز قادرند در صورت لزوم موشکهای غیر عامل سطح به سطح، سطح به هوا و اژدرهای ضدسطحی و زیرسطحی را حمل نمایند.
- (۵) تجهیزات: به علت ماهیت کاری، این شناورها نیازی به تجهیزات پیچیده الکترونیکی و سیستم های عریض و طویل ارتباطی نخواهد داشت.
- (۶) کارکنان: این شناورها نیازی به نفرات زیاد جهت عملیاتی شدن ندارند و به علت کوچکی شناور ها و اختصار و سادگی تجهیزات و نیز نوع ماموریت محوله به آنها با کمترین افراد قابلیت رزم در دریا را دارا هستند.
- (۷) آموزش: باز به همان علت مشکل آموزشهای طولانی و پر هزینه برای کارکنان وجود ندارد و هر کدام از کارکنان قادر خواهند بود با نحوه بکارگیری همه تجهیزات و امور شناور با مدت زمان کمی آموزش آشنایی یابند.
- (۸) آمادگی: شناورهای مذکور در مدت کمی جهت عملیات آمادگی پیدا کرده و بعد از هر عملیات فقط به مدت چند ساعت و حتی کمتر برای عملیات بعدی مهیا می شود.
- (۹) مقرون به صرفه: قیمت و هزینه آماده نمودن این شناورها نسبت به تجهیزات پیشرفته دریایی مثل ناوها و موشکها بسیار ارزانتر تمام می شود و تعداد زیادی از آنها قیمت یک موشک پیشرفته را نخواهند داشت.
- (۱۰) تعمیر و نگهداری: به نسبت تجهیزات پیشرفته الکترونیکی مستقر روی ناوهای دشمن و کلاً مخارج نگهداری ناوهای جنگی عریض و طویل، خصم، تعمیر و نگهداری این شناورها بسیار ساده و کم هزینه می باشند و احتیاج به وسایل و تاسیسات پیشرفته بندری و یا آموزشهای طولانی ندارد.

(۱۱) تاسیسات بندری: این شناورها به تاسیسات عظیم بندرینیزی ندارند و بعلت کوچکی جئه قادرند در هر ساحل و یا بندری پهلو بگیرند و حتی می تواند با استفاده از جزر و مد آب به کار خود ادامه دهند.

(۱۲) عدم محدودیت عمق: به علت آبخور کم قادرند در آبهای غیر قابل کشتیرانی به دریا نوردی بپردازند.

(۱۳) اختفاء: شناورهای مذکور از دید دیده وریها چشمی و الکترونیکی دشمن ESM به علت کوچکی بدنه و عدم استفاده وسیع از سیستمهای الکترونیکی و ناوبری در امان خواهند بود و به سختی توسط وسایل تجسس دشمن کشف می کردند.

(۱۴) هدف بدی هستند: شناورهای مذکور بعلت کوچکی، سرعت و عدم استفاده از تجهیزات عامل الکترونیکی و تیز هجوم تودهای شناورها، بسختی مورد اصابت گلوله های دشمن قرار می گیرند.

(۱۵) موشک خور نیستند: بعلت سطح مقطع کم و ارتفاع پایین مورد اصابت موشکهای دشمن قرار نمی گیرند.

معایب قایق های تندرو:

- (۱) محدودیت در دریای خراب: شناورهای مذکور بعلت کوچکی در دریای خراب بسیاری از قابلیت های خود مثل سرعت، مانور، آسایش پرسنل و دقت تیر را از دست می دهند.
- (۲) محدودیت زمانی برای اجرای عملیات: بعلت نداشتن سوخت کافی و امکانات مناسب برای پرسنل و نیز مهمات مورد نیاز جهت عملیات طولانی قادر نیستند به مدت زیاد و به عملیات بدون پشتیبانی ادامه دهند.
- (۳) برد عملیاتی: باز به دلیل کمبود سوخت و شرایط فیزیکی بدنه قادر به اجرای عملیات در عمق زیاد نخواهد بود.
- (۴) عدم تجهیزات مدرن: قابلیت نصب و حمل تجهیزات مدرن الکترونیکی و ارتباطی مخصوصاً وسایل حجیم، جهت سهولت در دریانوردی و عملیات دریایی را ندارند.
- (۵) قدرت و برد کم جنگ افزارها: بعلت وضعیت فیزیکی بدنه قادر به حمل افزارهای بسیار قوی و با برد بلند که امروزه در دریا بسیار استفاده می گردد، نمی باشند.
- (۶) آسیب پذیری: در صورت مورد هدف قرار گرفتن بسیار آسیب پذیر می باشند و بدنه آنها مقاومت کمی در مقابل جنگ افزارهای دشمن دارد مخصوصاً اینکه نیروی محرکه آنها هیچ گونه حفاظتی نداشته و ضمناً سوخت مصرفی آنها و مهمات موجود در شناورها بر شدت خطر می افزاید.
- (۷) عدم آسایش پرسنل: هیچ گونه امکات کافی جهت آسایش پرسنل در مقابل تکانها موج، آب دریا و باران، آفتاب، گرما و سرما در شناورها وجود ندارد.
- (۸) عدم حفاظت مناسب جهت مهمات: برای جلوگیری از صدمه دیدن مهمات و جنگ افزارهای شناور در مقابل آب دریا و باران.

(۹) نقص ارتباطات : معمولاً به دلیل عدم وجود امکانات و نیز شرایط بد شناور در دریای خراب ارتباط یگانها با عقبه یا با یکدیگر دچار اشکال می گردد.

(۱۰) مشکلات کنترل و هماهنگی : در عملیتهای تودهای مشکلات هدایت و کنترل برای فرماندهان بین شناور وجود دارد.

(۱۱) در هنگام درگیری جهت دقت تیر معمولاً مجبورند از سرعت و مانور خود بکاهند و حتی به حالت سکون بایستند و در این حالت هدف مناسبی برای دشمن خواهند شد.

عمده مسائلی که در رابطه با محدودیت ها و معایب هجومی باید در طرح ریزی عملیاتی حتماً مد توجه قرار گیرد از قرار زیر می باشند.

درست است که شناور ها در دریای خراب ضعف دارند لیکن این مطلب بدان معنی نیست که آنها به هیچ وجه نمی توانند در دریای خراب دریانوردی کرده و یا به اجرای عملیات بپردازند، بلکه به تجربه ثابت گردیده که در صورت لزوم این شناورها قادرند در دریای با قدرت ۴ نیز دریانوردی کنند و گاهی نیز مجبور به اجرای عملیات شده اند.

ضمناً توجه به این نکته اساسی است که اولاً زمان اجرای عملیات همیشه با آفند کننده است و لذا استفاده از زمان مناسب به عهده رزمندگان ما می باشد و در این صورت هیچ ضرورتی ندارند که زمان بدی را برای اجرای عملیات انتخاب نمایند در ثانی انتخاب مکان درگیری نیز معمولاً در اختیار آفند کننده می باشد و این دو عامل مهم به رزمندگان ما اجازه بهره گیری از بهترین زمان و مکان را خواهد داد (با یک نکته بینی دقیق متوجه می شوید که اجرای عملیات در دریا برای قایقهای تندرو بستگی شدیدی به هوا دارد و تغییرات آب و هوا هر چند قابل پیش بینی می باشند ولی همیشه صحیح از آب در نمی آید و لذا رزمندگان ما متکی به زمانی هستند که از طرف خداوند تعالی تعیین گردیده است .

موضوع دیگر اینکه برای رفع این محدودیت می توانیم فاصله درگیری را کم نماییم در این صورت مشکل برد عملیاتی قایق ها نیز حل خواهد شد باید توجه داشت که قایق های تندرو برای عملیتهای خاصی ساخته شده اند و ماموریتهای محوله به آنها باید بنا به شرایط خاص فیزیکی آنها در نظر گرفته شود با این صف خواهیم دید که بسیاری از معایب این شناورها منتفی خواهد بود و در واقع هنگامی عیب محسوب بشود که برای این شناورها ماموریت های مشابه به ناوهای جنگی در نظر گرفته شود.

یک مطلب دیگر اینکه این قایقها قادرند که عملیات مین ریزی و شناسایی را نیز انجام دهند و در دریای خراب که امکان استفاده از آنها در درگیری به حداقل می رسد میتوان از آنها بعنوان مین ریز یا گروه شناسایی و تجسس استفاده نمود بنابراین بر فرض اینکه دشمن برای احتراز از درگیری زمان نامساعدی را انتخاب نماید لزومی ندارد که قایق ها به خطر انداخته و موجب اتلاف نیرو و هزینه گردیم بلکه می توان از دیگر تاکتیک ها و امکانات موجود سود برد.

موضوع دیگر طرح و ساخت شناور های شناور های مناسب تر برای غلبه بر دریای خراب می باشد. استفاده از شناور های دو سینه و یا سیستم استابلیزر و یا هر شکل مناسب دیگری توان عملیاتی این شناور ها را افزایش خواهد داد.

از طرفی کارکنان توان عملیات در زمان کوتاه را دارند لذا مشکل عدم آسایش آنها با کوتاه شدن زمان عملیات حل می گردد هر چند که رزمندگان کفر ستیز ما در طول جنگ به اثبات رسانیده که قادرند روزهای متمادی در سخت ترین شرایط با مشکلات دست و پنجه نرم کرده و به مصاف دشمن بروند. آسیب پذیری این شناورها با توجه به اینکه اولاً نیروهای شهادت طلب آنها برای دفع تجاوز از جان فشانی دریغ نداشته و آماده شهادت هستند و ثانیاً قیمت این شناورها در مقایسه با تجهیزات دشمن بسیار ناچیز است .

لذا مورد اصابت قرار گرفتن ناوهای دشمن به اندکی خسارت خواهد ارزید.

امکانات دشمن جهت مقابله با قایقهای تندرو

ناوگان ساحلی جنگی امروزه دارای تجهیزات بسیار مدرن و پیشرفت های می باشد و قادر خواهند بود بدون اتکا به پشتیبانی زمینی ماهها به عمیات ادامه دهند. این نیروها تقریباً همه احتیاجات عملیاتی خود از قبیل پشتیبانی هوایی و لجستیکی را قادرند برآورده سازند.

در واقع امروزه دیگر جنگهای دریایی بدون وجود پشتیبانی هوایی میسر نبوده و تقریباً همه یگانها از وجود بالگرد بهره می برند . بالگردهای مستقر روی ناوها قادر به جنگ سطحی و زیر سطحی و نیز عملیات شناسایی و مین رویی می باشند و سلاحهای آنان شامل موشک، راکت، اژدر و مسلسلهای مختلف بوده که بنا به ماموریت از آنها استفاده می گردد.

یگانهای سطحی دشمن نیز دارای انواع جنگافزار از قبیل موشک، توپ، اژدر، مسلسل و راکت انداز جهت مقابله هوای، سطحی و زیر سطحی می باشند همچنین دارای وسایل مدرن الکترونیکی برای جنگهای الکترونیکی از قبیل ECM-ECCM-ESM می باشند.

هر کدام از تجهیزات موجود بر روی ناوگانهای عریض و طویل دشمن برای یک نوع عملیات و ماموریت خاص تعبیه گردیده است که معمولاً خارج از نوع ماموریت خود کارایی نخواهند داشت. مثلاً هیچگاه موشکهای سطح به هوا را نمی توان بر علیه اهداف سطحی مورد استفاده قرار داد.

بنابراین همه سلاحهای موجود در این ناوگانها قابلیت مقابله با قایق های هجومی را ندارند برای اینکه اولاً موشکهای سطح به سطح از هدف قرار دادن اهداف پایین تر از حد پرواز خود عاجزند و همه قایق های تندرو از این سطح پایین ترند ثانیاً اژدرهای مستقر در ناوها نیز هیچگاه نخواهند توانست هدف های کوچکی مانند این شناورها با آبخور کم را مورد اصابت قرار دهند.

بطور مسلم موشکهای سطح به هوا و هوا به هوای هواپیماها و بالگردهای آنها نیز فایده ای نخواهند داشت، آنچه که باقی می ماند توپها، مسلسلها و برخی از راکت اندازهای شناورهای سطحی و حمله بالگردها و هواپیماهای دشمن می باشد.

توپهای مستقر بر روی عرشه ناوها از عمده ترین تجهیزات آنها بوده که بر علیه هدفهای سطحی و هوایی و بمباران ساحلی بکار برده می شوند. این توپها که تصحیح تیر خود را بوسیله مکانیزم رادار و فایر کنترل انجام می دهند بسیار دقیق بوده و به نسبت قدرت از چند ۱۰ کیلومتر تا ۴۰۰ یلومتر را قادرند مورد اصابت قرار دهند و لذا خطر بسیار زیادی برای قایق های تندرو محسوب می شوند هر چند که رادارهای فایر کنترل آنها نیز نسبت به اهداف کوچک از حساسیت کمتری برخوردارند لیکن دقت عمل آنها قابل ملاحظه می باشد. ولی آنچه که مسلم است اینست که این توپها در هدف قرار دادن هدفهای متحرک با مشکلات بیشتری مواجه می باشند.

مسلسلهای این یگانها که ماموریت اصلی آنها ضد هوایی و سطحی می باشد جهت مبارزه با موشکها نیز بکار می روند و با تواتر آتش بسیار بالا قادرند حجم آتش سنگینی را ارائه دهند.

این سلاح در واقع یکی از خطرناکترین سلاحها بر ضد شناورهای کوچک محسوب می گردد و پا به عرصه گذاشتن قایق های هجومی در خلیج فارس تعداد زیادی از این سلاح بر روی یگانهای سطحی آمریکایی بکار گرفته شد.

همچنین راکت اندازهای روی ناوها می توانند بر علیه هدف های سطحی و زیر سطحی مورد استفاده قرار گیرند و بیشتر به منظور حجم آتش از آنها استفاده می گردد و معمولاً آتش آنها نقطه ای نبوده و یک منطقه را می پوشاند لذا دقت زیادی ندارند و می توانند بر علیه توده شناورها استفاده گردند. در ضمن بالگردهای مستقر بر روی عرشه ناوها قادرند در عملیات بر علیه شناورهای تندرو شرکت نموده و از تجهیزات خود از بیل راکت و مسلسل استفاده نمایند و نیز هواپیماهای دشمن بر روی عرشه ناوهای هواپیما بر می توانند پشتیبانی هوایی را برای دشمن فراهم سازند و در صورت لزوم بر علیه شناورهای تندرو وارد عمل شوند.

عملیات های شهادت طلبانه:

یکی از عملیات هایی که همیشه برای دشمنان جمهوری اسلامی کابوسی وحشتناک بود عملیات های شهادت طلبانه توسط رزمندگان اسلام بوده است .

این گونه عملیاتها در واقع بالاترین و با ارزش ترین جلوه های انسانی و نشان دهنده روح بلند و ایثار گر رزمندگان ما می باشد و در جنگ تحمیلی ما شاهد نمونه های بسیاری از آن توسط دلاوران خدا جو بودیم که عبور داوطلبانه از میدانهای مین یکی از بارزترین این نمونه هاست عملیات انتحاری توسط شناورهای تندرو در تاریخ جنگ های دریایی نمونه های زیادی ندارد و به جز چند مورد از قبیل قایق های کامی کاشی ژاپنی و نیز در جنگ کره و ویتنام بر علیه شناورهای جنگی. بنابر این ناوهای هواپیما بر آمریکایی تجربه

زیادی در این مورد ندارد ولیکن همین موارد اندک خطرات تلخی را برای آمریکاییها بر جای گذارده است و از آنجا که آنها به روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام واقف بودند همیشه در خوف اقدام رزمندگان ما به چنین عملیات هایی به سر می بردند .

در این عملیاتها معمولاً شناورها به مثابه یک موشک یا اژدر عمل نموده که از سینه تا پروانه موتور آن قدرت تخریبی سرسام آوری خواهد داشت که قادرند هرشناور غول پیکری را به قعر دریا بفرستند. در جنگ تحمیلی هر چند که این تاکتیک به مورد اجرا گذارده نشد ولیکن رزمندگان ما آمادگی اجرای آن را در هر لحظه داشتند .

اگر خوب دقت کنیم خواهیم دید که این اژدر های سرنشین دار با قدرت تخریبی چند برابر اژدر های معمولی دارای چندین حسن ممتاز می باشند اول اینکه دارای قدرت مانور می باشند ثانیاً سیستم هدایت آنها نقصی پیدا نخواهد کرد و اشتباه نمی کنند و ثالثاً هیچ گونه جنگ الکترونیک که برای انحراف موشک ها به کار میرود بر روی آنها کار ساز نمی باشند و رابعاً برد عملیاتی آنها بسیار وسیع تر از اژدر بوده و همیشه بهترین هدف را انتخاب خواهند نمود.

به هر صورت این عملیاتها علاوه بر اینکه می توانند در نهایت پنهان کاری و اختفاء صورت گیرند و دشمن را غافلگیر نمایند همچنین در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت فراوانی خواهند نمود. شیوه اجرای این تاکتیک ها تقریباً تفاوتی با هجوم قایق های توپدار نخواهند کرد و می تواند همراه با توده شناور ها باشد یا بصورت انفرادی عمل گردد.

مقدورات دفاعی نیز همان امکاناتی است که در دفاع در مقابل قایق های هجومی ذکر گردید با این تفاوت که مورد اصابت قرار دادن این شناورها بعلت تداوم حرکت و عدم ایستائی مشکل تر خواهند بود و کافی است که یکی از آنها خود را به بدنه ناوبر برساند که در این صورت اولین ضربه آخرین ضربه خواهد بود. تاکتیک های دیگری مانند **کمین، هجوم توده ای و ...** نیز در مورد شناورهای تندرو وجود دارند که در اینجا از تشریح آنها صرفنظر میگردد.

فهرست منابع

فصل سوم: موشک های ضد کشتی

- ۱- موشک های سطح به هوای شانه پرتاب.....www.iranpruod.mihanblog.com
- 1-2- موشک سه‌سند.....www.centralclubs.com
- ۳-2- موشک ونگارد.....راسخون
- ۳-۴- پدافند در برابر موشک های ضد کشتی

فصل چهارم - مین های دریایی

- ۴-۱ انواع مین های دریایی.....ص ۳۶ ... کتاب The united nations
;and irag how peace making changed
- ۴-۲- روشهای مین گذاری.....ص ۴۰.....سایت www.military.ir
- ۴-۳- روشهای مین رویی.....ص ۴۲.....سایت www.wikipedia.org
- ۴-۴- آشنایی با چند مین.....ص ۴۸.....سایت www.minefield.bleyfa.com

پارس بوک - مرجع دانلود کتابهای الکترونیکی

www.ParsBook.org



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

